

تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران از غزنویان تا مغولان، ترم ۳

استاد مشرف ۳ واحد

چگونگی بقدرت رسیدن غزنویان به (ترکان).

در واپسین روزهای حکومت سامانی دستگاه نظامی ترکان بر این دولت استیلا یافته بود.

منابع موجود حکایت از آن میکنند که رهبر ترکان اسپتکین بقدری نفوذ یافت که قسمت هایی از خراسان در اختیار آنان قرار گرفت. مسئله جانشینی در میان آخرین امرای سامانی مشکلی بسیار بزرگ بود. در این رقابت برای بدست گرفتن قدرت ترکان بی شک و تردید بهره برداری سیاسی خاصی نمودند. این مسائل موجب آن شد که اسپتکین قسمت های تحت تصرف سامانی را ترک گفته به غزنه وارد شود و در آنجا دولتی مستقل در دولت بخارا تاسیس نمود و شالوده امپراطوری آینده غزنوی را پی افکند. یکی از خصایص آخر دوره دولت سامانی از بین رفتن طبقات کشاورز بود. ظهور ترکان از طریق نظام غلامان دربار و قدرت گرفتن آنان زوال چنین حکومتی را تشریح میکرد. زمانیکه ترکان به دیانت اسلام گرویدند حتی از نظر آئین نیز با توجه به حمایت آنان از خلفای عباسی موجب پیشرفت نفوذ آنان گردید. این پذیرش اسلام از سوی آنان موجب شد که کوچ بزرگ ترکان نیز به مناطق متصرفه سامانی گسترش یابد و اسکان ترکان در این سرزمینها از همین زمان آغاز شد. تاسیس غزنوی در مشرق ایران نشانه بزرگی از نمایش قدرت آنان در برابر حکومت های بومی و محلی است.

باید توجه کرد که حتی پیش از این دوران گسترش و رخنه آرام ترکان به سرزمینهای ایرانی آسیای میانه و حتی کرانه های دریای خزر از چندین سده پیش آغاز شده بود بعضی از امرای ایرانی برای ایستادگی در مقابل مهاجمان عربک از این ترکان کمک دریافت میکردند. علاوه بر این سپاه مزدور ترکان نیز برای حفظ مرزها اجیر شده بود. وضعیت سیاسی سامانیان در آخرین روزهای قدرت که موجب به هم ریختگی وحدت حکومتی شده بودو آنان را گرفتار جنگ های بی رحمانه نموده بود از عللی است که موجبات استخدام این ترکان را به عنوان یک نیروی نظامی کارآمد توجیه می کند. البته این نکته قابل ذکر است که در دوران اقتدار سامانیان بخصوص زمان اسماعیل سامانی ترکان مغلوب و منکوب سپاه سامانی بودند. اما بعدها گردهمایی بزرگ ترکان که در خدمت خلفاء و حکام ایرانی بودند و مشاغل نظامی داشتند. توانستند بقدرت نزدیک شوند. بعضی از خلفای عباسی بجای تیکه کردن بر سپاه خراسانی بقدرت نظامی ترکان اعتماد نمودند. ناگفته نماند که اغلب سرداران سپاه ترک از غلامان بودند و از نژادهای ملیت های گوناگون بطوریکه در زمان سامانی یک وجه اقتصادی دولت سامانی تجارت غلامان ترک بود و صدور برده از طریق مرزهای دولت سامانی عوارض راهداریادی نصیب آنان می نمود. ترکان به واسطه دلیری ومهارت درسواری بیشتر مورد نظر بودند. وخلفاء وحکام به استخدام نگهبانان شخصی خود از این غلامان با هم همچشمی می نمودند. از برکت همین لشکریان حرفه ای است که ترکان بعدها به امپراطوری نیز رسیدند حتی در زمان قدرت آل بویه وسامانی سواران ترک مانند نیروهای بومی مد نظر

بودند. با این حال فقط در دوران سلجوقی می باشد که آنان توانستند در تمامی ایران صاحب زمینهای وسیع و حکومت مرکزی میشوند. غزنویان غیر مستقیم از چنین اوضاع واحوالی که درواپسین روزهای قدرت سامانی برقرار بود دولت سامانی گرفتار تجزیه انقلابات مردمی و اختلافات برسر جانشینی بود استفاده کرده یکی از سران سپاه ترک به نام آلپتکین باوزیر آن دوره ابوعلی محمد بلعمی متحد گردیده و به تعبیر نویسنده کتاب تاریخ ایران ریچارد فرای این کودتای وزیر و حاکم نظامی ترک منجر به تشکیل حکومتی در غزنه در شمال افغانستان شد. که در واقع خارج از مرزهای سامانی بود. البته ترکان در این نواحی از طریق پیوند خویشاوندی باحکام محلی توانستند استقرار حکومت خود را برقرار سازند. با ایشان تازمان سبکتکین بر روی سکه های ترکان نام حکام سامانی آمده است. وهم اوست که غلام اسپتکین بود و توانست قدرت غزنوی را به جایی برساند که بعدها به پسرش محمود به ایجاد امپراطوری موفق شود. مورخین و نویسندگان که خواسته اند برای تبار ترکان غزنوی اصل و منسبی پیداکنند. سبکتکین را به یزدگرد سوم وابسته دانسته اند. در این تبار نامه علی رغم اینکه قبل از اسلام ترکان کافر بوده اند. این استدلال آمده است که خاندان یزدگرد سوم در واپسین روزهای قدرت سامانی به آسیای میانه گریخته در آنجا با ترکان که منطقه رابطه خویشاوندی برقرار کرده اند و سبکتکین از نسل آنهاست بخصوص نظام الملک در سیاستنامه به چنین تعبیرات دست زده است. در ادامه کوششهایی برای بدست گرفتن قدرت سبکتکین توانست وی را به عنوان والی سامانیان حکومت برساند و نام آنان را در

سکه هابیاورد. وقتی لقب حاجب الحاجی را از امرای سامانی بگیرد این امر نشان میدهد که علی رغم قدرت موجود هنوز سبکتکین به عنوان یک وزنه سیاسی مهم معرفی نشده است.

درواقع قدرت بنیادین غزنوی از زمان محمود پایه ریزی شده است. فتح غزنه و همچنین تصرف نواحی سیستان و افغانستان و بخصوص زابل بر قدرت محمود افزود. از دیگر سو چون زابلستان در داستانهای ایرانی بخصوص در گردش نامه اسدی طوسی محل سکنی پهلوانان ایرانی بوده است. منزلت خاصی داشته است. و سبکتکین کوشید که بوسیله ازدواج قدرت خود را در این ناحیه (سیستان و زابلستان) زیاد کند و محمود فرزند وی حاصل چنین ازدواجی است. امرای غزنوی سیاست توسعه طلبی رادرتامی سطوح بکاربردند. حتی متوجه سرزمین هند نیز گردیدند. سبکتکین و جانشینان او هم از جهت مذهبی و هم اینکه از جلگه هند میتوان غنائمی به مراتب بیشتر از بیابانهای آسیای میانه بدست آورد. نظر خود را به طرف هند معطوف کرده بود. در این زمان بررسی این نکته مهم می نماید که آخرین امرای سامانی برای برقراری مجدد قدرت به امرای ترک به رهبری سبکتکین متوسل شده بودند و این آغاز برای اضمحلال کامل سامانیان در همین دوران بود که سبکتکین درگذشت.

حکومت محمود و ایجاد امپراطوری غزنوی

مهمترین موضوع بعد از درگذشت سبکتکین رقابتهای اسماعیل و محمود برای بسط قدرت بود. گرچه محمود در ابتدای کار راضی به مصالحه بود با این حال اسماعیل بعدها

مجبور شد از کار برکنار شود و محمود سلطه خود را بر قسمت اعظمی از خراسان رواج داد. در این زمان قدرت دیگری به نام قرا خانیان وجود داشتند که با امرای غزنوی در رقابت بودند. مناسبات حسنه با این قوم به محمود فرصت داد که به بسط قدرت خویش در خراسان بپردازد. مهمترین مسئله ای که محمود به آن توجه داشت مشروعیت قدرت سیاسی و متصرفه او از جانب خلیفه بود. محمود با موافقت با خلیفه و حمایت از مذهب مورد علاقه خلفاء (تسنن) و حمایت خلیفه امپراطوری خود را از آسیای میانه تا کرانه های اقیانوس هند گسترش داد. در آن دوران چنین مجموعه پهنآوری از حکومت بدست کسی نیفتاده بود. از جهتی دیگر محمود به عنوان سلطان غازی (جنگ برای اسلام) و کوبنده هندوهای کافر برای خود کسب شهرت کرده بود. منابع متعددی انگیزه مالی را به اندازه انگیزه معنوی در این لشکر کشی ها کار ساز می دانند و به هر حال برای او به عنوان یک سلطان مسلمان ارج و منزلتی قائل بودند. ولی باید توجه کرد که همزمان با قدرت رسیدن محمود هنوز سلسله های کوچکی از آل بویه و دیلمی در ایران وجود داشتند که محمود با برخی از آنان که مذهب تشیع داشتند جنگ نمود و علل پیروزیهای محمود را باید به عوامل متعددی منسوب کرد از جمله:

الف: زمانی که محمود به عنوان یک قدرت مسلط شروع به لشکر کشی نمود مذهب اهل سنت در حال زوال بود. زیرا فاطمیان که برای خلیفه بغداد رقیبی بودند نه تنها قاهره بلکه در شمال افریقا نفوذ داشتند همچنین از نظر اقتصادی و فرهنگی برتر از بغداد بودند و این خطر توسعه طلبی فاطمیان خلفاء را به وحشت انداخت. همچنین علاوه بر

این از طرف بیزانس که مسلمانان توانسته بودند متصرفاتی از آنان را بدست آورند در معرض خطر بودند. بنابراین آنان درصدد بودند تا ضربه سختی به مسلمانان بزنند. این چنین وضعی را محمود با فتح هند از میان برد و دوباره برای مسلمانان موقعیتی مناسب ایجاد کرد. فتح نامه های که برای بغداد فرستاده میشد و همچنین شناسائی حاکمیت محمود از طرف خلیفه قدرت او را دوچندان کرد این امر عامل بزرگی برای پیروزیهای بعدی بوده است.

ب: تصرف خراسان که ایالتی پر ثروت و آباد و کشاورزی و سیستم آبیاری منظمی داشت و همچنین مرکز صنعت و تجارت و تولید بود و صادرات زیادی داشت و همچنین جاده های تجاری که به آسیای میانه و عراق می رفت. موقعیت اقتصادی مهمی برای خراسان بوجود آورده بود. علاوه بر آن درزمینه فرهنگی به واسطه علوم الهی و ترویج زبان و ادب فارسی خراسان مرکز فرهنگی و علمی بخش شرقی عالم اسلام بود و بطور کلی فتح چنین سرزمینی دست آورد بزرگی برای محمود بوده است. از طرف دیگر خراسان میتوانست در مقابل تهدیدات تیره های دیگر ترک همچون قراختائیان پاسداری کند. این مسئله موجب شد که محمود حتی تا شمال افغانستان پیشروی کند و بعدها تحکم قدرت محمود در خراسان به مناطق تحت نفوذ سامانی کشیده شد.

در برخی از مناطق افغانستان اسلام پذیرفته نشده بود و اسلام توسط محمود در برخی نقاط همچون کافرستان کشیده شد. سیستان نیز که منطقه تحت نفوذ آخرین امرای صفاری بود تصاحب شد. بزرگ ترین فتح محمود بعد از خراسان ناحیه خوارزم است که

برای آن فتح نامه مفصلی نوشته اند. از این جهت که این منطقه حاصل خیز بود و نظام آبیاری مفصلی داشت. و مرکز تجارت بود و همچنین ارزش سوق الجیشی داشت. قدرت محمود را در ماوراء النهر کاملاً تثبیت کرد. بطور خلاصه باید گفت که تمام امرای ترک صاحب قدرت در آسیای میانه مغلوب محمود شدند و امرای محلی طبرستان و گرگان و حتی نسل قابوس بن وشمگیر خراج گذار محمود شدند. اگر محمود علیه آخرین امرای آل بویه امرای دیگر اقدام اساسی میکرد هم از این جهت بود که برخی از این امرای مذهب اهل سنت داشتند و هم از این نظر که کمک آنها به محمود در رساندن پول و سپاه بود. راجع به آمدن محمود به هند و علل عملیات نظامی منابع متعددی مطلب نوشته اند.

در این زمان سپاه منظمی از سراسر عالم شرقی اسلام به سوی بت کده های هند روان شدند. در این ناحیه امرای و راجه های هندی تشکیل اتحادیه هائی داده بودند. اما پیروزی با شخص محمود بود. باید توجه کرد که علی رغم اینکه اولین رگه های ورود اسلام به هند گرچه توسط محمد بن قاسم بن ثقفی بوده است و همچنین برخی از مبلغان اسماعیلی اسلام را به هند برده بودند با این حال محمود با گرفتن نقاط بسیاری از هند خراب شد.

بزرگترین معبد هندوان سومنات با تمامی درآمدهای آن به تصرف محمود درآمد. این پیروزیها در سراسر عالم اسلام انتشار یافت و در قهرمان ساختن محمود غزنوی سهم بزرگی داشت. خلیفه القابی برای وی فرستاد. این نکته که فعالیت های نظامی دولت

غزنوی درهند اساسا بخاطر بدست آوردن غنائم بوده است برکسی پوشیده نیست. این وضعیت موجب رونق اقتصادی شد و سکه های زر گردید و تجارت در سراسر مشرق عالم اسلام رواج یافت. بناهای باشکوهی ساخته شد و مجموعه وسیعی از کاخ ها وبازارهای وجود آمد. علاوه براین بردگان خود ثروت عمده ای بودند. منابع موجود حاکی از آن است که خریداران برده از سراسر عالم اسلام متوجه دولت غزنوی شد. شمار زیاد ی از این بردگان داخل سپاه شده و در کار جنگ نقش اساسی بازی کردند. گرچه محمود قبول شرط اسلام را بعنوان صلح با هندوان پذیرفت. باین حال بسیاری از هندوان بودند که در سپاه غزنوی خدمت میکردند ومسلمان نبودند.

دستاوردهای حکومت غزنوی:

برای بررسی سازمان سیاسی اسلام که داخل امپراطوری غزنوی بود باید به این نکات توجه کرد و چون غزنویان فاقد فرهنگ قدیمی بودند بی شک در داخل تمدن حکومت قبلی خود متحیل شد. ولی باقبول اسلام از نظر مذهبی وجاهتی یافت. اما این امپراطوری از آن جهت که به سلطنت مطلقه اعتقاد داشت. پدیده تازه ای است و باید اشاره کرد که حکومتهای آل بویه و سامانیان قبلا کوشیده بودند که چنین موقعیتی بدست آوردند. اما کاری از پیش نبردند. زیرا رقابتهای خانوادگی و وجود اشراف و طبقات زمیندار مانع بقدرت رسیدن مطلقه آنان بود. اما غزنویان چنین مسائلی را در پیش رو نداشتند. به این لحاظ توانستند چهره ای بسیار مستبد بخود بگیرند.

دربسیاری از آثار باقی مانده چنین طرز فکری به عنوان یک اصل پذیرفته شده آمده است. فی المثل سالها بعد و در زمان سلجوقی خواجه نظام الملک در کتاب سیاستنامه از این شکایت میکند که چرا سلجوقیان از دستگاه استبداد موجود چنانکه باید استفاده نمی کنند در صورتیکه بیهقی که از کارگزاران غزنوی است چنین طرز فکری را نکوهش می کند. غزنویان همچنین با اقتباس از سیاست اداری دولت سامانی کار کشور به پیش می بردند. بسیاری از وزرای ایرانی که در خدمت امرای سابق بودند اکنون در خدمت غزنویان کار میکردند و وسعت این امپراطوری و حوضه عملکرد آنها دائماً افزایش می یافت. چنین مملکت بزرگی نظام اداری خود را از بغداد و دولت سامانی گرفته بود و

توسط پیچ اداره دولتی بزرگ به انجام می رساند. این دیوانها به ترتیب عبارتند از :

الف - دیوان وزیر، که امور عالیه و مسائل مربوط به آن رابه عهده داشت.

ب - دیوان رسالت، که مکاتبات اداری و سیاسی را به انجام می رساند.

ج - دیوان عرض، که کار گرد آوری و سازماندهی سپاه را به عهده داشت.

د - دیوان اشراف، که ارتباط داخلی را انجام می داد.

ه - دیوان وکالت، که مربوط به دربار بود.

در توجیه چنین مسئله ای باید گفت که وجود کارگزاران ایرانی و وزراء ایرانی بسیار مهم بوده است. هرگونه استقلال عمل این وزراء بشدت سرکوب میشد. چنانکه اغلب وزراء غزنوی کشته شدند باین حال باید از محمد حسن میمندی نام برد که وزیر بسیار ارزشمند و کاردان بوده است.

از امور دیگری که مربوط به شناخت دولت غزنوی میشد رعایت دقیق میان طبقات حاکم و رعیت بوده است. حتی سیاست نامه نیز این مسائل را مشروحاً بیان کرد. سلطان در راس قدرت بود و بعد از او افراد لشکری و کشوری و بعد توده مردم که شامل بازرگانان و روستائیان میشد. آنان وظیفه داشتند که از شاه اطاعت کنند و مالیات بدهند و در عوض پادشاه امنیت آنان را حفظ میکرد. سیستم ارباب یک سیاست پذیرفته شده بود. کلیه گزارشهایی که مربوط به شورش مردم میشد به دربار اطلاع داده شد و نهایتاً به سختی مجازات میشد. از عوامل دیگر باید به نقش مذهب توجه کرد. طرفداری غزنویان از مذهب اهل سنت این تعقیب چنان انجام میشد که حتی پس از محمود این بیت شعر نشان میدهد که تا چه اندازه نسبت به مذاهب غیر اهل سنت تعقیب روا داده شده است:

آه و دردا که کنون غرقلیان شاه شوند ایمنی یابنداز سنگ پراکنده و دار

چنین مناسباتی با خلیفه مبنی بر این که قانونی و شرعی قدرت غزنوی از طرف خلیفه آشکارا بیان شود. برای محمود لازم بوده است. آنان برای خلیفه هدایا می فرستادند و درعوض منشور حکومت و القاب می گرفتند. حتی برای خشنودی آنها سفیر خلفای فاطمی را کشتند و این نشان میدهد که چگونه نسبت به خلفای بغداد توجه عمیق داشتند.

فرهنگ سلاطین غزنوی متأثر از فرهنگ ایرانی اسلامی بود. خراسان سرزمینی بود که بیشترین اهمیت را برای آنها داشت در آنجا بسیاری از شیوه های تعلیم و تربیت و فرهنگ و ادب ایرانی رواج داشت و شعراء و نویسندگان زیادی که دربار محمود جهان گشایی او را مدح و ستایش نمودند و بسیاری از فتح نامه ها در این زمان نوشته شد و همچنین شیوه های سنتی ایرانی در این زمان بکار گرفته شد و روش حکومت و شیوه دربار بسیار با شکوه بوده است که این نشان از گسترش سلطه بی حد و اندازه غزنویان دارد و از جهت دیگر نشان دهنده وجود ظلم بی حد و همچنین هزینه های زیاد نگهداری کاخ ها می باشد. که چنین نمونه ای را در دربارهای شرق عالم اسلام میتوان یافت.

چراسلطان محمود از حربه مذهب استفاده میکرد: (حمله به هند و دیگر جاها).

۱. حمایت خلیفه به عنوان یک مقام مذهبی.
۲. غزنویان را به عنوان غازیان (عاملان مذهب) به جهانیان معرفی میکرد.
۳. جلوگیری از رواج ملیت خواهی.
۴. افزایش غنائم و وسعت کشور.

عمده ترین دلایل شکست غزنویان

۱. نارضایتی مردم از مالیات گیری (برای هزینه و مخارج لشکرکشی غزنویان).

۲. شکست و ازدست دادن خراسان بوسیله حمله غزها.
۳. مخالفت اقلیت های مذهبی و اسماعیلیه و شیعه با غزنویان.
۴. اجازه محمود به اسکان چهل هزار چادرنشین غز در خراسان.

اثرات جنگ بین غزنویان و سلجوقیان:

۱. ازبین رفتن کشاورزی.
۲. ازبین رفتن تجارت.
۳. سرخوردگی مردم از قدرت.

خصایص ویژه امپراطوری غزنوی:

چون توسعه نظامی برای امپراطوری غزنوی اهمیت فراوانی داشت طبیعتاً سپاه نهایت اهمیت را در دولت غزنوی دارا بود. منابع موجود حکایت میکنند که بیشترین توجه برای تقویت این ابر سازمان بوده است. سپاه غزنوی بسیار حرفه ای بود و ازتنوع نژادی برخوردار بود و چون سپاهی ثابت بود پیوسته آماده جنگ بود. ناگزیر وضعیت جنگی در آن همیشه برقرار بوده و مورخین مهاجر غزنویان که نوشته اند این سپاه بیشتر از غلامان ترک بودند از اقوام گوناگون تشکیل میشدند.

اما درمیان آنها نژادی دیگر نیز یافت میشد. این تنوع نژادی سپاه رامایه قدرت می دانستند و اعتقاد داشتند که اختلاف قومی درمیان سپاه وابستگی یه یک گروه را بی اثر میکند و همچنین موجب رقابت میشود از طرف دیگر شهرت محمود غزنوی بعنوان یک پادشاه غازی خواه ناخواه اعتباری برای او کسب میکرد. غنائمی که بدست می آمد بین

سپاه تقسیم میشد. از نظر سازماندهی وجود فیلان جنگی و سلاح ها و آلات قلعه گیری میتوانست برای سپاه غزنوی بسیار کار ساز باشد. گفتن این نکته لازم است که مخارج این سپاه حرفه ای موجب بالابردن هزینه دولت میشد و ناچار مالیاتهای فراوانی بر مردم ایالات بسته میشد. بسیاری از تاریخ نویسان روش گرفتن این نوع مالیات بیرحمانه توصیف کرده اند. براساس مدارک موجود اسفرائینی وزیر محمود که حاضر نبود مالیاتهای گزافی را وصول کند روانه زندان شد حتی پس از محمود نیز و در زمان مسعود که سلجوقیان به طرف مرزهای غزنوی هجوم آوردند این سیاست ظلم موجب شد که آنان (اهل خراسان) نسبت به آمدن سلجوقیان بی اعتنا باقی بمانند و بسیاری از مورخین حکایت می کنند که دامنه نارضایتی چنان بالا گرفت که موجب شورشهای پراکنده ای شد و همین امر سرزمینهای زیادی را از قلمرو غزنوی جدا و به حیطة قدرت سلجوقیان اضافه کرد. پس از محمود و در زمان حکومت مسعود نیز وجود چنین سپاهی علی رغم اینکه از مسعود حمایت کردند ولی بعلت همان مخارج زیاد موجب شد که بسیاری از نابسامانیهای کشور مربوط به این امر باشد. از طرفی مسعود مصمم بود که دستاوردهای پدرش رانیز حفظ کند بااین حال باید توجه کرد که در همین ایام قوامی قراختائیان و ترکان نیز در رقابت با غزنویان خراسان را تهدید میکردند. مصیبت بزرگ وقتی روی داد که در اثر عوامل گوناگون خراسان از دست رفت و همچنین اتحاد نیروهای سلجوقی بسیار مستحکم گردید. بنابراین میشود حدس زد که علیرغم ثباتی که به هنگام مرگ محمود در خراسان برقرار بود. اما بر اثر عوامل نامساعد زمان محمود

بحرانهای جدی در زمینه اقتصاد و سیاست روی داد گرچه مسعود در نبرد با محمد برادرش پیروز گردید با این حال به عنوان یک فاتح نتوانست دوام بیاورد. زیرا شکست های پی در پی او نشان داد که وضعیت دولت غزنوی رو به ضعف است. سرخوردگی اهالی خراسان و عدم علاقه آنها به ایستادگی و همچنین مخالفت زمینداران خراسان با آنها نقش مهمی در منازعات میان غزنویان و سلجوقیان ایفا کرد. اوج ستیز و جنگ بر سر تصرف خراسان بود و نتیجه نهایی در دندانقان روی داد که نزدیک به مرو است و در این نبرد سپاه غزنوی دقیقاً از بین رفت و رهبران سلجوقی مانند طغرل و چغلی بیک خراسان را در حیطه قدرت خویش گرفتند. گرچه پس از مسعود، محمد به پادشاهی رسید. با این حال حیطه قدرت غزنوی در مشرق افغانستان و ناحیه کوچکی از پنجاب محدود شد.

ارزیابی اهمیت تاریخی غزنویان:

ذکر این نکته لازم است که گفته شود چون غزنویان به عنوان مهاجمان ترک به دنیای متمدن اسلام آمدند. در واقع جذب چنین تمدنی شدند. گرچه در این دوران ادبیات و شعر فارسی رواج داشت. با این حال علل بزرگ آنها باید در حفظ تمدن زمان سامانیان در این دوران دانست. از جهتی دیگر سلاطین غزنوی با توجه به روحیه جنگی و سپاه ویژه ای که داشتند پاسداری از مشرق را در برابر مهاجمان که از آسیای میانه می آمدند به عهده داشتند. زیرا این امپراطوری اساساً جنبه نظامی گری داشت. از طرف دیگر

وجود چنین سپاهی موجب پیشرفت اسلام در هند و همچنین استثمار مردم شبه قاره هند گردید. حتی بعدها نظام الملک وزیر سلجوقیان در اثر خود این روحیه نظامی گری غزنوری را می ستاید و در واقع غزنویان نشانه ای از اوج نفوذ تدریجی مزدوران ترک در مشرق دنیای اسلام هستند و در این مناطق آنان بر قدرتهای ایرانی پیروز شده و امپراطوری قدرتمندی بوجود آورده اند و از همین زمان است که الگوی سلطه سیاسی ترکان بر بیشتر نواحی جهان اسلام پی افکنده شد. همچنین باید اشاره کنیم که ارزیابی تاریخی به هر حال غزنویان به عنوان آغازگر پیشرفت حکومت اسلامی در شمال هند هستند و از همین زمان است که نخستین پیوستگی مستقیم با فرهنگ هند بوجود آمد و اسکان دائمی مسلمانان در هند و اسلام پذیری هندیان آغاز شد. با این حال این تفکر که تمام جنگهای محمود جنبه مذهبی داشته است دقیقا رد شده حتی اگر اسلام بصورت یکی از بزرگترین ادیان شبه قاره هند در آمده باشد. بازهم در نیت مذهبی محمود از جانب مورخین شک و تردید ابراز شده است. با این حال ادبیات این دوره از محمود بعنوان یک سلطان غازی نام می برد.

آثار اجتماعی و اقتصادی جنگهای غزنویان در هند و نقاط دیگر:

همچنانکه قبلا اشاره شده خصیصه بزرگ حکومت غزنوی که روحیه نظامی گری بود موجب لشکر کشیهای متعددی به هند و نقاط دیگر است که بی تردید منبع عایدی سرشاری بوده است. از طرفی دیگر غارتگری و قتل را بدنبال داشته و در همین مسیر

توده های مردم بسیار فقیر شده اند. قبل از هر جنگی از مردم مالیاتهای گزافی گرفته میشد. مورخین هم عصر غزنویان حکایت می کنند که این مالیاتها بقدری سنگین بوده است که پس از وصول آن تقریباً اهالی برای امرار معاش چیزی نداشتند این روش جابرانه سقوط اقتصاد کشور را بدنبال داشت از طرفی دیگر هرج و مرج اوضاع و ناپایداری آن و غارتگری دولت، تامین اجتماعی و آسایش فکری را از بین برده بود. نتیجه اینکه نیروهای تولیدی ناامید شده چنانکه باید به زراعت و فعالیت های کشاورزی مشغول نمیشدند. حکایت شده است که این وضع در نیشابور موجب قحطی سختی شد. حیوانات و انسان خورده شدند. گرچه محمود مجازاتهای سختی برای عاملان این قضیه بوجود آورد. با این حال تحمیلات گوناگون به مردم موجب شورشهایی شده است. حکایت میکنند که مردم بلخ مجبور شدند که مخارج سالیانه باغ محمود را پردازند و این موجب نارضایتی بزرگ شد. سلطان با این تصور که اصولاً مردم به دودسته تقسیم میشوند: ۱- نیروهای مسلح ۲- اهالی مردم. این انتظار را داشت که درقبال امنیت آنان از تعرض دشمنان مردم عوارض و مالیاتهای تحمیلی را پردازند. یک منبع تاریخی حکایت میکند که زمانی که محمود در هندوستان بود قراختائیان به بلخ و خراسان حمله کردند. مقاومت مردم موجب خرابی شهر شد. در بازگشت از سفر محمود مردم را شماتت کرد که شما حق مقاومت و مداخله در امور جنگی را ندارید و گفت که قراختائیان برای آن شهر را خراب کردند که شما در مقابل آنها مقاومت کردید و گفت بایستی شما هدایا و مالیات می پرداختید.

این طرز فکر که بیهقی آنرا شرح داده می رساند که تاچه اندازه به مردم و نیروهای تولیدی ارج و منزلتی قائل شده اند.

سیاست در حکومت غزنوی:

قبل از روی کار آمدن غزنویان مردم ایران روحیه ملت خواهی و ملیت را کاملا دارا بوده اند. آنان پس از حمله عرب توانسته بودند با نهضت های گوناگون و تشکیل حکومت های مستقل و احیاء آداب و رسوم فرهنگ خود را حفظ کنند. حتی در دوره غزنوی سرودن شاهنامه بر اساس چنین روحیه ای انجام گرفته است و در واقع تا دوران غزنوی اغلب حکومتها برای توجیه مشروعیت حکومت خود سعی میکردند مانند آل بویه نسبت خود را به شاهان پیش از اسلام برسانند. ساختن این نوع سلسله انتساب نشان میدهد که ملت ایران در این دوران به اصالت نژادی اهمیت میداده اما با شروع سلطنت غزنوی موضوع اصالت نژادی و سیاست ملی و احساسات قومی روبه ضعف نهاد زیرا غزنویان که از نژاد ترک بودند علیرغم اینکه تربیت یافته دستگاه سامانیان بودند و شیوه اداری را رعایت میکردند و حتی آداب و رسوم ایرانی را تا اندازه ای حفظ نمودند با این حال با ملت ایران در آرزوهای ملی هماهنگ نبودند این امر موجب شد که به جای سیاست ملی و تقویت حکومت نژادی به سیاست مذهبی و وحدت دینی روی بیاورند از طرف دیگر چنین سیاستی موجب شد که بتوانند با استقلال طلبان ایرانی و مذاهب دیگر بشدت مبارزه کنند و در بررسی این نکته باید توجه شود که گرچه غزنویان به فرهنگ

سامانیان متمایل بوده اند و حتی عید نوروز جشن سده را بر پا میداشتند با این حال چون خود فاقد فرهنگ خاص بودند سیاست مذهبی را بیشتر از هر زمان دیگری میتوانند اعمال کنند.

اوضاع اجتماعی و اقتصادی و زندگی مردم در دوران غزنوی:

گرچه منابع تاریخی به زندگی اجتماعی مردم کمتر پرداخته اند با این حال تلاشهای برخی از آنها موجب شده است که زندگانی اجتماعی این دوران تا حدودی مشخص شود.

فی المثل مسلم شده است تعصبات مذهبی غزنویان و خونریزی آنها در هندوستان و حتی در متصرفات داخلی خود این امکان را بوجود آورده که تمام مخالفان تحت عنوان بی دینی قلع و قمع شوند. سپاه غازیان غزنوی که با تفکر اسلامی و اشاعه آن به جنگ می پرداخت. احتیاج به پول داشت بطوریکه مردم همچون گوسفند پوست کننده شدند فضل بن احمد بن اسفراینی علیرغم اینکه در اول کار به وصول مالیاتها رضایت داد با این حال بعدها پشیمان گشت.

ظلم بی حد موجب شد که براساس شهادت مورخان حتی سگها و گرگها را خوردند و چون ظلم از حد گذشت محمود امر وصول مالیاتها را متوقف کرد. با این حال بسیاری از کسانی که سیاست محمود برای امر را مورد انتقاد قرار میدادند. از کار برکنار و یا به زندان رفتند. بیهقی داستانی تعریف میکند که مردم بلخ از بی ثمری نگهداری باغ

محمود گله و شکایت داشتند و روزی که محمود سؤال کرد چرا هیچگاه در این باغ مجلس بزم خوبی بیاد نداشته مشکان گفت: که چون مردم ناراضی هستند از این جهت سرور وشادی به دل سلطان راه نمی یابد. این واقعه که بیهقی آنرا تعریف کرده است وضعیت اجتماعی و اقتصادی مردم را کاملا نشان میدهد بطوریکه محمود مجبور شد و نگهداری این باغ را از مردم بلخ گرفته و به یهودیان محول کرد علاقه و توجه او را به شعراء و دانشمندان فقط از جهت تمایل اوبه نام جوئی دانسته اند حتی سیاست مذهبی او را صرفا انگیزه مادی می دانند.

طرفداری از خلیفه و مذهب موجب شد که تمام جنبش های مربوط به توده های مردم و مذاهب گوناگون بخصوص اسماعیلیان نابود گردد.

نتایج حکومت غزنویان و فرجام کارآنان:

از نظر سیاسی محمود و غزنویان ترویج مذهب را مورد نظر داشتند و از سیاست خلیفه پیروی میکردند. این مسئله با اهدافی همراه بود. برخی از مورخین می نویسند رفتار محمود علیه غم این فتح نامه هائی به بغداد می فرستاد و خلیفه را تائید میکرد. از روی خدعه بوده وی حتی سفیر خلفای فاطمی را کشت. با این حال هر دو قدرت یعنی خلفاء عباسی و غزنویان موقعیت خود را در روابط دوستانه با یکدیگر می دانستند با وجود این براساس اشعاری که از شاعران درباری همان زمان که دسترسی است این معنا روشن میشود که محمود حتی مایل بود که حکومت بغداد را نیز به متصرفات خویش منغم

کند. نوشته اند که خلفای عباسی و غزنویان استفاده سیاسی از یکدیگر را مد نظر داشته اند. از طرفی دیگران خصلت غزنویان به جمع آوری ثروت که میاخان (میخان) مورخ قرن نهم آنرا بیان کرده است موجب از بین رفتن بسیاری از منابع تولیدی و اقتصادی وی شد. همچنین باید اشاره کرد که سیاست محمود از این جهت که میخواست قلمرو آل بویه را به منصرفات خود اضافه کند از نظر گامهای مختلف قابل بررسی است. هم از جهت سیاسی به این مسئله فکر میکرد و هم از این جهت که دشمنان مذهبی خلیفه را از بین می برد و بالاخره این نکته را برای همگان روشن میکرد که فقط مشرق زمین به عهده اوست. روش تخریبی محمود در جنگلها از عواملی است که موجبات نارضایتی را نیز به بار آورد بسیاری از شعرای آن زمان علیرغم شعرای دیگر درباری این روش را نکوهش کردند زمانیکه چنین نارسائی هایی در بنیادهای اجتماعی و اقتصادی مملکت روی نمود مسعود در حال مرگ بود. جانشین وی مسعود که در واقع نه قدرت پدر را داشت و نه لیاقت وی را با چنین ناسامانیهایی مواجه شد. قراختائیان و ترکان غز سلجوقی میتوانستند چنین قدرتی را به ضعف بکشانند. جنگهای مسعود با ترکان غز سلجوقی در ناحیه دندانقان آخرین قدرت غزنوی را مجبور به عقب نشینی به نقاطی چون افغانستان و پنجاب نمود. یک سال بعد که مسعود در سفر هند بدست همان سپاهی که غزنویان را بقدرت رسانده بود کشته شد. در واقع اضمحلال قدرت سیاسی غزنویان فراهم شده بود.

برادراو محمد گرچه باحمایت گروهی از سپاهان حکمران شد اما با بقدرت رسیدن نیروی تازه سلجوقی و عقب نشینی آنان به مرزهای افغانستان در واقع میشود بیان کرد که سلسله ای بنام غزنوی به سقوط کامل خودرسیده است.

اسماعیلیه به عنوان یک تفکر مذهبی و سیاسی:

به عنوان مقدمه باید گفت که اسماعیلیه در تاریخ سیاسی و مذهبی بوجه بسیاری از تحولات بنامهای اسماعیلی، باطنی، اهل تایید، اهل تاویه، ملاحده، قرمطیه و یا حشیشه خوانده شد نه از نظرگاه انتصاب آنان به اسماعیل باید گفت که پس از امام صادق ایشان بر امامت اسماعیل پسر او باقی ماندند نوشته شده است. که اسماعیل در زمان حیات پدر فوت کرد و چون امامت به موسی منتقل شد عده ای از بیرون به این امر گران نهادند و گفتند موضوع امامت پایان یافته است و (بداء) نیز محال است حتی گروهی منکر مرگ اسماعیل شدند گروهی منتقدند پس از او محمد فرزند اسماعیل امام موعود است و می گویند چون امامت به محمد بن اسماعیل مرتبه امامت به قانمیت ارتقاء یافت باید توجه کرد که زیر بنای تفکری شیعه که خلافت را از آن خاندان پیامبر میداند تا زمان خلافت فاطمیان و قدرت گرفتن اسماعیلیه به شکل ها و شیوه های دیگری در دنیای اسلام مطرح بوده است. فی المثل خلفای فاطمی که فاطمی که فقط در نواحی بسیار محدودی حکمرانی داشتند کم کم مصر و شام، حجاز و یمن و عراق را گرفتند و پایتخت قاهره قرار گرفت و حتی خلافت عباسیان در معرض

سقوط واقع شد با این حال حمایت سلاجقه از خلفای عباسی موجب پایداری خلافت در بغداد می گشت تقسیم فاطمیان به دوفرقه مستلویه و نزاریه شاخه های جدیدی بوجود آورد و در واقع جنبش آنان ۱۷۰ سال بعد به شکل و شیوه جدیدی از طرف نزاریان مطرح شد و قیام حس صبا و فتح الموت نتیجه آن است اگر چه اسماعیلیه با سقوط الموت بدست مولد کوقدرت سیاسی را از دست داد با این حال تفکر اسماعیلی هم اکنون بر نقاط مختلف دنیا مطرح است. نوشته اند که پس از این سقوط و تاملتها بعد شکل و شیوه کار فدائیان کاملا مورد توجه بوده است. با سقوط امامان اسماعیلی و از بین رفتن مدارک شناخت. این فرقه با مشکلاتی روبرو شد کلمه اساس که ریشه کلمه حشاشین در واقع اولین بار توسط مارکوپولو د رسفرنامه آورده شد. لازم به یاد آوری است که قبل از مارکوپولو کسان دیگری در مورد آنان محبت کرده اند با وجود این باید تذکر داد که اثر مارکوپولو بایستی بادیده انتقادی نگاه کرده شود. زیرا آنچه را که مارکوپولو درباره رفتار و اعمال اسماعیلیان نوشته است. فقط منجر به اسماعیلیه شام است و نمیشود آن را در مورد ایران تقسیم داد. مطالعات بعدی بخصوص مطالعات سیلومتر دوساس دادن چنین صفتی به آنان صرفا مربوط به نحوه عمل آنان بوده نه ملوک آنان در واقع از جهت تحقیر این صفت به آنان داده شده است.

اسماعیلیه از نظر گاه عقیدتی: ۷۳/۸/۲۳

اولین بحران که دیانت اسلام زمانی روی داد که حضرت محمد (ص) وفات یافت کسانی که حضرت علی (ع) را به جانشینی قبول و اعتقاد بر این نکته داشتند که این جانشینی تایید شده است به شیعیان علی (ع) معروف شدند همین عمده بعدها مجادلات سیاسی و مذهبی را در بطن تاریخ اسلام و ایران و نقاط دیگر بوجود آمدند. باید توجه تفکرات ایرانی و همچنین عقاید زرتشتی این احساس را بوجود آورد که تفکرات و سیاستهای جدیدی باید مطرح شود. شیعه از همین زمان به فعالیت های گوناگونی دست زده است. حادثه ای که بیش از همه برزندگی سیاسی و مذهبی شیعیان سایه افکنده، واقعه عاشورا است. پس از آن باید به قیام مختار اشاره کرد که دعوت به محمد بن حنیفه کرد اگرچه منجر به شکست ظاهری با این حال طرحی برای یک سلسله طولانی از نهضت های مذهبی گردید. در این نهضت ها دو شخصیت اساسی وجود داشت:

۱. امام ۲. داعی که پیام امام را تعبیر می کرد باینکه طی کوششهایی خلافت از بنی امیه به بنی عباس منتقل شد.

با این حال نهضت های افراطی شیعیان به فعالیت خود ادامه میدادند و گاهی این اندیشه ها با چنان رگه هایی از بدعتهای مذهبی همراه بود که تصور میشود از مذاهب و اعتقاد است. دیگری سرچشمه گرفته است در برنامه سیاسی این نهضت ها برانداختن نظام موجود و بقدرت رساندن امام بسیار تاکید میشد. حتی بعدها زمانی پیش آمد که

نهضت هایی تحت عنوان شیعه فعالیت میکردند که رهبران آن از اولاد علی (ع) نبودند برخی از این شیعیان بخصوص براین نکته تاکید داشتند که امام بایستی قیام به شمشیر کند و مسئله تقیه را قبول نداشتند درنیمه دوم قرن دوم هجری فعالیت این شیعیان افراطی بسیار زیاد بود و حتی نوشته اند که سرچشمه بسیاری از تفکرات اسماعیلی مربوط به همین دوران است. باید توجه کرد که درمیان تمام نهضتهایی که بنام شیعه برپا میشد بالاخره اسماعیلیه شهرت بی اندازه پیدا کرد و آن در سال ۱۴۸ هـ . ق. رخ داد. بعضی از منابع نوشته اند که اسماعیل ممکن است با عناصر افراطی شیعه در تماس بوده و همین امر موجب خلع او از جانشینی گردید. با این حال فوت اودر زمان حیات پدر منجر به جانشینی امام موسی کاظم به عنوان امام هفتم گردید و پیروان وی را که معتقدند ۱۲ امام که آخرین آنها غایب است و خواهد آمد اثنی عشری می نامند. باید تذکر داد که اختلاف فرقه اثنی عشری با اهل تسنن بسیار محدود می باشد و آنچه که بنام شیعه و بی ذلت مربوط به آن در تاریخ های مورد ذکر آورده است مربوط به اسماعیلیه می باشد.

خلاصه ای از اعتقاد و مبانی عقیدتی اسماعیلیان:

گرایش فکری مکتب اسماعیلی به همبستگی و تشکیلات آنان یک نظام مذهبی و فلسفی در سطح عالی را در دنیای آنروز بوجود آورد و همچنین ادبیات آنان هنوز تازگی دارد. اسماعیلیان همانند اهل تسنن و همه مسلمانان دیگر به قران و قوانین اسلام

احترام می گذاشتند. اما توجیہات فلسفی و تعبیر آنان از جهان و عالم کائنات براساس اندیشه های قدیمی و بخصوص افکار نو افلاطونی بنیاد نهاده شده بود. در واقع این جنبش هم از نظر سیاسی و هم از نظر مذهبی برای بسیاری مایه بقا و امکان زیست را بوجود آورده بود زیرا نارضایان اجتماعی در این جایگاه جدیدی یافتند. جامعه ای که رئیس و پیشوای آن امام یعنی وارث پیامبر برگزیده خداوند و یگانه پیشوای برحق عالم بشریت بود. در نظام مذهبی اسماعیلیان امام اساس مرکز عقیده و تشکیلات و فاداری بود و آفرینش جهان را در نتیجه تاثیر عقل کل بر نفس کل میدانند و میگویند در هر دوره ای امام ناطق خواهد آمد و امام صامت کسی است که مستور باشد و دوره ای نیز خاص دارد و بنا به این طریق وجود امامان با دوره های پیروزی و یا اختفای مذهب مطابقت داشت. بی شک و تردید این امامان بایستی از اولاد علی (ع) و یا ذریه اسماعیل باشند و همین امام است که سرچشمه علم و قدرت بوده و تعالیم قران را نه به معنی لفظی و ظاهری آن بلکه به معنی باطنی آن کاملاً میدانند و همه چیز را میتواند روشن کند. نهایت تمام احکام دین مربوط به شناخت امام است و حتی در این رابطه آنچنان پیشروی کردند که بعضی از آنان گفته اند وقتی شناخت امام کاملتر حاصل شد دیگر رعایت احکام دینی معنی ندارد زیرا جستجوی حقیقت شرط اصلی است. به هر حال امامان مستور بعد از وفات اسماعیل مدت یک قرن و نیم بر جامعه اسماعیلی رهبری کردند و در بعضی از نقاط به تشکیل حکومت‌های کوچکی نائل آمدند. بایستی همچنین

توجه کرد که در این دوران شیعه ۱۲امام نیز در پی بدست گرفتن قدرت بود. دگرگونیهای بزرگ اجتماعی و اقتصادی قرنهای دوم و سوم ه. ق. همچنین مقابله دین اسلام با فلسفه و علم یونانی موجب شد برای وحدت و قدرت اسلام طرح جدیدی پی افکنده شود.

این طرح جدید را اسماعیلیان صورت دادند و بالاخره به کسب موفقیت هایی نائل شدند. بعضی از شاخه های مذهب اسماعیلی که بنام قرمطی خوانده شدند توانستند در یمن و عربستان شرقی حکومت را بدست بگیرند اما بزرگترین پیروزی در شمال افریقا بدست آمد. بطوریکه امام اسماعیلی بنام مهدی خود را آشکار کرد و سلسله جدیدی را بنیان نهاد و خود را از اعقاب حضرت فاطمه (ص) قلمداد نمود. زمانیکه این حکومت به فتح مصر نائل شد در واقع بزرگترین امپراطوری را بوجود آورد و بسیاری مراکز فرهنگی تاسیس شد. جامعه الازهر به عنوان جایگاه دین بنا شد و بسیاری از کسانیکه میتوانستند مذهب اسماعیلی را تبلیغ کنند به تمام نقاط ایران و آسیای مرکزی و نقاط دیگر دنیای اسلام فرستاده شدند از برجسته ترین این افراد شاعر ایرانی ناصر خسرو است. علی رغم پیروزیهای فاطمیان به علت حمایت ترکان از خلفای عباسی قدرت عباسی همچنان باقی بود. بعضی از بی دله های مذهبی در واقع میان پیروان فرقه فاطمی منجر به ایجاد و فرقه مذهبی نزاری و مستعلی گردید. و بالاخره زمانیکه صلاح الدین ایوبی فرمانروای مصر گردید در واقع حکومتی بنام فاطمیان وجود نداشت. با این حال اعتقاد به مذهب اسماعیل همچنان قوی بود. در این زمان ترکان از نظر سیاسی

قدرتی پیدا کرده بودند و بالاخره در همین زمان کیش اسماعیل احتیاج به یک دعوت جدید داشت زیرا دعوت قدیم اسماعیلی اکنون کاملا شکست خورده بود. این دعوت و روش جدید را یک نابغه انقلابی بنام حسن صباح پایه ریزی کرد.

دعوت جدید (حسن صباح)

دعوت جدید اسماعیلی معمولا با نام حسن صباح مترادف است. نوشته اند که او از شیعیان اثنی عشری بود که در قم دنیا آمد. اما نوشته های بعدی اسماعیلی به شکل ابهام اخیرا او را از اعقاب شاهان حمیری می داند. اگر تاریخ تول حسن معلوم نیست اما سرگذشت نامه وی نشان میدهد که او در ری تحت تاثیر تعلیمات مبلغان اسماعیلی بوده است و توسط آنان و مربیان اسماعیلی با این مکتب آشنا شد. بعدها عبد الملک بن عطاش از داعیان برجسته اسماعیل برای حسن صباح از خلیفه فاطمی مصر اجازه سفر به مصر گرفت. نوشته اند که حسن صباح در مصر سه سال اقامت کرد و پس از گرفتن تعلیمات روانه ایران شد. در این دوران روابط حسن صباح را با خلفای فاطمی مصر و سپهسالار نظامی مصر به گونه های متفاوتی تعبیر کرده اند که نشان از مخالفت حسن صباح با امیر الاجشوش مصر داده بود به هر حال پس از آمدن به ایران وی به عنوان یک رهبر اسماعیلی سیاست گرفتن قلاع و تبلیغ بیشتر دین اسماعیلی را مد نظر قرارداد. گیلان و مازندران و دیلم، رودبار، الموت، قزوین از جمله نقاطی بودند که توجه او را به خود جلب کردند. موقعیت خاص منطقه و حالت استقلال طلبانه مردم که حتی از

ورود به اسلام به ایران این آخرین منطقه بود که با مذهب اسلام و آن هم با مذهب تشیع آشنا گشت میتوانست نقطه اتکا برای حسن صباح باشد. همچنین دعوت اوبه داشتن پیروان بیشتر ادامه داشت وی ضمن بدست آوردن پایگاههای تبلیغی بیشتر سیاست تسخیر قلاع را نیز دنبال میکرد. در راستای همین تفکر طبق یک برنامه ریزی صاحب شده الموت تسخیر شد. و اودر واقع در مدت ۳۰ سال اقامت خود در قلعه هرگز از آنجا بیرون نیامد و به مدت ۲۰ سال تمام در خانه خود که فقط دوباره از آن خارج شد. به نوشتن کتب ارشاد اسماعیلیان و رهبری تمام پیروان خود در سراسر ایران مشغول بود. بسیاری از مبلغان به نقاط مختلف فرستاده شدند. قلعه لمسر که فرمانده آن بزرگ امید بود به تصرف درآمد. قلاع قهستان که مدتها مرکز زرتشتیان بود. بوسیله داعی اسماعیلی بنام حسین قائنی به زیر سلطه اسماعیلیان درآمد. در طبس همچنین وضعیتی پیش آمد همچنین قلاع دیگری در ساوه و شاه دژ اصفهان به تصرف درآمد تبلیغات دینی انجام میشد به موازات این اقدامات عملیات سرکوب گراند سلجوقیان در شکل ها و شیوه های مختلف بر ضد اسماعیلیان انجام میگرفت. اما بصورت جنگ واقعی با فرستادن دو لشکر به قهستان و الموت توسط سلطان ملک شاه سیاست جدید سلجوقیان اعمال شد. این لشکر کشی بی نتیجه به پایان رسید و در همین اوان بزرگترین موفقیت سیاسی برای اسماعیلیان با کشتن خواجه نظام الملک حاصل شد این امر نخستین مرحله از یک سیاست پی گیر بود که در آن بسیاری از وزیران، حکمرانان، سرداران سپاه، فقیهان و حتی خلفای فاطمی و عباسی قربانی شدند. نوشته

اند که صورت اساسی این قربانیان که بعد ها از الموت بدست آمد براساس یک طرح حساب شده یه انجام می رسیده است. این امر نشان میدهد که این سیاست براساس ایجاد و حشت و جلوگیری از مخالفت به انجام رسیده است. شایان ذکر است که گفته شود اطاعت بی چون و چرای فدائیان از رهبران خود بر اساس یک سلسله مقررات و اعتقادات خاص مذهب اسماعیلی صورت گرفته است و نوشته های اسماعیلی مراتبی چون: دانی، عالی، داعی، معلم و موذن و حجت و در مرتبه بالاتر امام میتوانند سلسله ای از مراتب اعتقادی باشد و به این ترتیب مردم را نیز و پیروان را به این تقسیم بندی قسمت کرده بودند. پائین ترین مرحله مستجیب بود و اعضاء فرقه را رفیق می گفتند در همین دوران است که بزرگترین بحران سیاسی و مذهبی در دنیای اسماعیلی روی داد با مرگ مستنصر و رقابت سپهسالار مصر و امیر الاجیشوش به نفع مستعلی حق فرزند دیگر مستنصر نا امید گرفته شد برای اسماعیلیان ایران که مرکز و اساس قدرت خود را از دستگاه سیاسی فاطمیان مصری میدانستند اکنون این فرصت پیش آمده بود که با استفاده از این مسئله که فرزندان و نوادگان نزار د رالموت هستند خود را نه تنها پیرو نزار قلمداد کنند بلکه حالت مستقل نیز بگیرند. از همین زمان به بعد است که حتی قلاع معتبری چون شاه دژ اصفهان و سلسله جبال البرز قدرت اسماعیلیان را دو چندان میکردند. از نظر سیاسی با فوت ملک شاه اکنون قدرت بین برکیاروق و محمد تقسیم شده چنین حالتی مسلما به اسماعیلیان اجازه می داد که تبلیغات گسترده تری داشته باشند اما زمانیکه برکیارق تصمیم گرفت با آنان به جنگ لشکری به قلاع آنان

فرستاد در این جنگ اگر چه کشتار فراوانی از اسماعیلیان شد و حتی بعضی از قلاع نظامی تخریب گردید با وجود این پس از بازگشت سپاه سلجوقی مرمت قلاع آغاز گردید. در نقاط دیگر به گفته مورخ همان زمان ابن ایشی هر اتهام کوچکی موجب قتل اسماعیلیان می گردید با وجود این سیاست ترور اعمال شد و بسیاری از مخالفین دینی و کشوری قربانی شدند. محاصره قلعه اصفهان نیز نتوانست کاملاً قدرت اسماعیلی را از بین ببرد. زیرا شرایط صلح به سلطان سلجوقی اجازه میداد که حداقل از قدرت اسماعیلیان بکاهد. با این حال در برخی از نقاط فتح قلعه انجام شد و کلیه اسماعیلیان کشته شدند. در فتح نامه ای از مورخ سلجوقی از این پیروزی نوشته است. این امر را مهم جلوه داده به تلافی چنین شکستی پسر خواجه نظام الملک احمد به سرنوشت پدر دچار گردید. بزرگ اسماعیلی در الموت بود. بنابراین سپاهی به آغاز فرستاده شد اما این جنگ بی نتیجه به انجام رسید و با کشته شدن فرمانده سپاه سلجوقی لشکر سلجوقی مجبور به بازگشت شد صورت قتل‌های این دوره نشان میدهد که اسماعیلیان از سیاست ارباب و وحشت خود دست برنداشته اند زمانیکه منجر قدرت را بدست گرفت به علت تغییر ماهیت سیاست روشهای دیگری انجام شد. عطا ملک جوینی این تغییر سیاست را به تهدید منجر از طرف اسماعیلیه نسبت میدهد. چندین خلیفه عباسی و فاطمی در این دوره کشته شدند و حتی امیر الاجیشوش مصر قربانی گردید وزیر جدید مامون (خلفای فاطمی) بایک نقشه حساب شده بسیاری از مبلغان و اسماعیلیان راکشت با این حال علیرغم احتیاط های لازم وی نیز قربانی گردید. زمانیکه این وقایع

رخ میداد نفرمتفکر و انقلابی اسماعیلیان و رهبر سیاسی و مذهبی الموت حسن صباح درگذشت. جانشین او بزرگ امید که فرمانده قلعه لمسر بود بی هیچ مشکلی به امامت رسید.

دوران پر امامت بزرگ امید:

برخلاف اینکه در حکومت سلجوقی مرگ یک حکمران موجب کشمکش می گردید. انتقال قدرت در بین اسماعیلیان بسیار به سادگی انجام پذیرفت. در زمان بزرگ امید نیز مسئله حمله به نقاط رودبار و الموت و سایر قلاع اسماعیلی دنبال میشد. لشکر کشی به رودبار بی نتیجه به پایان یافت. در حالیکه سیستم مخالفان از طرف اسماعیلیه با موفقیت دنبال میشد. این اثر حکایت می کند که چندین وزیر و حکمران توسط فدائیان کشته شدند. برخی از منابع حکایت دارند که زمان بزرگ امید صخی نه چندان پایدار بین اسماعیلیان و سلجوقیان بوجود آمده است. بزرگ امید برخلاف حسن صباح از مردم بومی بود(رودبار) در همین حال او تجربه های حسن صباح رانداشت. اما نقش وی را در تحکم قدرت اسماعیل کاملاً بارز می داند. جوینی حادته مرگ بزرگ امید را باتوجه به جو زمانه بسیار ذلالت بار توصیف کرده جانشین وی محمد گر چه به عنوان یک امام اسماعیل چندان معروف نیست. با این حال شیوه کشتن مخالفان همچنان دنبال میشد. برخی ادعا کرده اند که در این زمان آن شور و جمعیت از میان اسماعیلیان رخت بر بسته بوده است. با این حال ساختن قلاع ادامه داشت.

اما تندروان مذهب اسماعیلی در انتظار شخصی بودند که مانند گذشته منزلتی برای اسماعیلیان جستجو کنند. حکمرانان جدید حسن که صلی قیامت را در داد و فدائیان را وادار کرد که روزه خود را افطار کنند و هزاره جدید را اعلام کرد. کسی بود که با افکار تندروان مذهب اسماعیلی از جهت سیاسی هماهنگی داشت. نقض رسمی تشریفات شریعت حتی برای عده ای از پیروان با این حال با توجه به استدلالهای فلسفی اسماعیلیه این افکار در بسیاری از قلاع اسماعیلیه مورد قبول واقع شد. زمانیکه امام بعدی اسماعیلیه محمد به حکومت رسید. گر چه در این تفکر تغییری حاصل نشد با این حال هیچ گونه شدت عملی نیز برای بسط فکر صلی قیامت بوجود نیامد و همین عاملی شد که در زمان جلال الدین حسن امام مهدی او هم از نظر سیاسی و هم نظر مذهبی خود را به خلفای عباسی و حتی صلح با خوارزمشاهیان آماده کند و بدین طریق بود که به حسن نومسلمان لقب یافت. برخی از نظر مذهبی معتقد شدند که این بازگشت به شریعت براساس تقیه انجام شد و افسوس روزهای حکومت اسماعیلیه مصادف است با هجوم مغولان به ایران در همین زمان خلیفه ناصر نیز به عنوان یک خلیفه آگاه به مسائل نقش حساسی در حکومت ایفا کرد، بطوریکه هجوم مغولان به ایران و دوری از بغداد نتیجه حمایت او میدادند وقایع نگارانی که درباره هجوم مغولان وصیت کرده اند به این اصل مهم توجه داشته اند که قدرت اسماعیلی فراتر از آن بود که با هجوم مغولان از بین برود و بر اساس همین سیاست است. که زمان هولد کوو پیروزی اندک مغولان در قلاع اسماعیلی موجب شد که از رکن الدین خروش آخرین امام اسماعیلی

خواسته شود با صلح و مدارا قلاع اسماعیلی را وادار به تسلیم کند و حتی برای امام اسماعیلی آنچه خواست داده شد گرچه برخی از حکام اسماعیلی تسلیم نشدند و جنگ برای پیروزی کامل بر قلاع اسماعیلی زمانی آغاز شد که مغولان دانستند دیگر به حمایت رکن الدین احتیاجی ندارند. با این حال قلاع اسماعیلی به سادگی تسلیم نشدند. درلمسر الموت و گردکوماواویستان و قهستان نبردی آسان ادامه داشت. سیاست جدید مغولان در مورد رکن الدین موجب قتل وی گردید و بالاخره قلاع اسماعیلی نه در یک سال بلکه در طول نبردهای بی امان خراب گردید. در یک نکته کوچک باید گفت که گرچه اسماعیلیه در یک برهه از تاریخ به قدرت رسیدند و قلاع را تسخیر کردند با این حال شکست آنها به منزله از بین رفتن فرقه اسماعیلیه نشد. از پیروان این فرقه پسر کوچک رکن الدین که به امامت انتخاب شده بود و از نسل او سلسله ای از امام بوجود آمده اند. این توضیح که سرکوبی قدرت اسماعیلی گرچه سایر اوقات اتفاق افتاد. با این حال در بسیاری از نقاط از جهان همچون شام و سوریه و نقاط دیگر تفکر اسماعیلی به ادامه حیات پرداخته است.

علل اضمحلال سلجوقیان:

۱. شیوه سیستم زندگی اقوام سلجوقی که بقدرت مرکزی اعتقادی نداشتند و گریز از مرکز
۲. ظهور قدرت قوی بنام قراختائیان

۳. فساد اداری و ظلم و جور فراوان نسبت به مردم

اهداف حکومت سلجوقی:

۱. تأیید سلطان به عنوان رهبر سیاسی و مذهبی
۲. پیوند دین و دولت
۳. نظارت بر امور آموزش
۴. تشکیلات حکومتی (مالیات گیری، وضعیت ارتش و غیره)

تحکیم سیاسی قدرت سلجوقی:

طبیعت و احتیاج قبیله سلجوقی به یک وحدت سیاسی موجبات بوجود آوردن حکومت شد که در تاریخ ایران بنام سلجوقیان معروفند. بررسیها به عمل آمده در مورد این قوم نشان میدهد که سلجوقیان که در کار سپاهی گری و داشتن گله های فراوان مشهور بودند و خصلت جنگجویی داشتند. با توجه به نوع معیشتشان که زمستان و تابستان را در نواحی مختلف بسر می بردند موجب میشد که آنها به مهاجرت بزرگ دست بزنند و آمدن آنها به ایران یکی از علت های آن همین مهاجرت است. تواریخ حکایت از آن دارد که این قوم که نام اصلی طایفه آنها آغوز بوده و بعد تبدیل به غز شده است. از ترکان ناحیه خوارزم هستند سران اولیه ایل سلجوقی در خدمت امرای غزنوی بوده و با قبول مذهب اسلام توانستند برای خود موقعیت خاص بدست آورند. سلجوقی به عنوان یکی

از پایه گذاران این دولت توانست سلسله ای را بنیان نهد که به امپراطوری انجامید از چهار فرزند سلجوقی دوپسر از میکائیل یکی از فرزندان سلجوقی در تاریخ ایران بنام چغلی بیک و طغرل هستند. این دو پس از اینکه نواحی بزرگی از خراسان را تاحدود بخارا را به تصرف در آوردند. توانستند خود به تشکیل حکومت نایل شوند طغرل سلجوقی که معاصر سلطان مسعود غزنوی بود. برای بسط قدرت سلجوقی به یک سلسله جنگها با مسعود پرداخت و حتی در نیشابور به تخت سلطنت نشست. زمانیکه چغلی بیک د رمرو به توسعه حکومت سلجوقی می پرداخت. مسعود غزنوی احساس میکرد که باید این قدرت تازه که در عرصه سیاسی ظهور کرده امان ندهد جنگی که اتفاق افتاد موجبات شکست مسعود را در دندانقان فراهم آورد و تمامی خراسان در تحت تصرف سلاجقه در آمد زمانیکه چغلی بیک پس از تحکم قدرت خود در گذشت و پسرش الب ارسلان به سلطنت رسید. قبل از وی طغرل توانسته بود با شکست بنا سیرتی سردار خلفای فاطمی موجبات قدرت سیاسی گرد و بنا بر این زمانیکه آلب ارسلان بقدرت رسید خلفای فاطمی بقدرت سلاجقه نیازمند بودند.

بطوریکه القابی که به شاهان سلجوقی داده اند نشانه ای از تائید آنها می باشد از طرفی دیگر شاهان سلجوقی نیز تائید مذهبی را از طرف خلفای عباسی بررسی تحکم قدرت خود لازم میدیدند در زمان الب ارسلان بسیاری از نواحی خراسان و ماوراء النهر به تصرف درآمد و اصفهان به عنوان مرکز قدرت انتخاب گردید. نبرد امپراطوری رم شرقی و پیروزی الب ارسلان در این جنگ موقعیت او را به عنوان یک فاتح مسلمان تثبیت

کرد. بطوریکه از طرف خلیفه به لقب (عنصر الدین) ملقب شد. وی بسیاری به خلیفه احترام می گذاشت و این روش یعنی احترام به خلفاء از زمان طغرل بسیار رواج داشت. پس از وی ملک شاه با توجه به کاردانی خواجه نظام الملک به بسط قدرت سلجوقی پرداخت. تواریخ مربوط به این دوره حکایت از آن دارد که بسیاری از نقاط خارج از مرزهای ایران به تصرف در آمد. از آن جمله آنانکه و همچنین قسمتهایی از شام و ماوراء النهر تصرف شد. سلسله سلاجقه شام نیز نشان میدهد که بسط قدرت سلجوقی تاچه اندازه گسترده بوده است. زمانیکه تدابیر خواجه در کار حکومت با مخالفت شاهزادگانی که تمایل به گریز از مراکز داشتند و همچنین مخالفت فدائیان اسماعیلی با وی موجبات قتل خواجه را فراهم آورد و بخصوص پس از اینکه ملک شاه نیز در ۴۸۵ هـ ق. فوت کرد. آغازیست برای از هم پاشیدگی قدرت سلجوقی اختلافات بر سر جانشینی بین پسران ملک شاه و چگونگی بقدرت رسیدن منجر و همچنین اختلافات داخلی بین افرادی سلجوقی و ظهور قدرت بزرگی چون ترکان قراختائی که امپراطوری سلجوقی را در معرض تهاجم قرار داده بودند و همچنین نقش اسماعیلیه به عنوان یکی از مخالفان سر سخت سلجوقی مجموعاً عواملی است که امپراطوری سلجوقی را به اضحلال نزدیک کرد. این احتمال وجود دارد که عواملی چون نارضایتی عمومی با توجه به نقش مذهب که نارضائیان شیعی در داخل این امپراطوری به فعالیت نیز پرداخته بودند. دامنه این اعتراضات را توسعه داده و به فروپاشی این قدرت قسمت کرده باشد.

پایه های قدرت حکومت سلجوقی:

علاوه بر مسئله ارتش و وجود یک نیروی جنگاور که امپراطوری سلجوقی را اصولاً یک دولت نظامی معرفی می کرد. چون عناصر تشکیل این حکومت از همه نظر با مردم ایران بیگانه بودند لذا انسجام این قدرت می بایستی بوسیله تشکیلات و نهاد دیگری به استحکام برسد تا زمینه های قدرت سلجوقی فراهم شود ترکان سلجوقی توانستند به هدفهای زیر نزدیک شوند:

۱. تائید و تحکم سلطه سیاسی و مذهبی برای سلطان سلجوقی از سوی خلیفه.
 ۲. پیوند دین و دولت (سیاست).
 ۳. ایجاد یک سیستم آموزشی جدید.
 ۴. ایجاد یک تشکیلات کشوری که از زمان آل بویه در ایران وجود داشته و در این دوران به اوج گستردگی خود رسید.
- این نکته قابل توجه است که گفته شود هدف سلاطین سلجوقی از اینکه آنان به عنوان رئیس نهاد سیاسی از طرف خلیفه تائید شوند. این بود که موقعیت خود را تحکم کنند و همچنین با توجه به اینکه تشکیلات دیوانی و کشوری در دست کارگزاران ایرانی بود و آنها سیاست تمرکز را مد نظر داشتند. خواهی و با توجه به گسترش سیستم آموزشی در واقع پایه های قدرت سلجوقی تثبیت میشد.

در زمان سلجوقیان بین نهاد مذهبی و سیاسی پیوند زده شد و حتی به قول غزالی که وی خلافت را نماینده کل حکومت اسلامی می دانست بین سه عنصر اصلی یعنی خلیفه، سلطان و علماء و حدت ایجاد شد و هرکدام از این سه عنصر که توزیع نظریه قدرت و حاکمیت را توجیه می کردند به موفقیت و پیشرفت چنین نظامی استحکام بخشیدند. گروههای مذهبی در این دوران در داخله قدرت و تشکیلات حکومتی بودند و سلجوقیان با استفاده از فرهنگ ایرانی و کارگزاران ایرانی برترین تشکیلات کشوری را به عنوان یک نیروی متمرکز در مقابل جاه طلب های روبه توسعه امراء و حکام سلجوقی که مایل به گریز از مرکز قدرت بودند برقرار ساخت د ر همین زمینه بررسی تشکیلات حکومتی سلجوقیان در ابعاد گوناگون لازم می آید.

علل انقراض سلجوقی:

۱. جنگهای داخلی (رقابت بر سر بدست گرفتن قدرت شاه بین برکیانا و محمد.
۲. تمایلات گریز از مرکز: روحیه چادر نشینی، وجود گله های زیاد، عدم تمایل به اسکان، سستی ارتش، نبودن شخصی خردمند مانند نظام الملک، مخالفت رؤسای قبایل ترک با حواجه نظام الملک، تمایل به استقلال داشتن.
۳. تصادف با دولت قراختائیان در مرزهای آسیای میانه.
۴. رسوم مالیاتی.

گسترش امپراطوری سلجوقی:

زمانیکه سلجوقیان استیلای را بر خراسان کامل کردند در واقع بسط نفوذ آنها در مغرب و داخل ایران نیز کاملتر گردید و دولت سلجوقی بصورت منظم تر توسط سران سلجوقی شکل گرفته، بطوریکه در دوناخیه بزرگ خراسان همچون نیشابور و مرو قدرت سلجوقی تثبیت شد.

در ری و اصفهان و همدان دولت سلجوقی استقرار یافت. نواحی فارس و مرو، سیستان، کرمان، خوارزم جزو امپراطوری سلجوقی گردید. تصرف بغداد و بین النهرین نیز نشان داد که امرای سلجوقی بسط گسترش نفوذ خود را به خارج از ایران متوجه کرده اند. در واقع از طریق ازدواج نیز بین خلفای عباسی و امرای سلجوقی مودت ایجاد گردید. زمانیکه الب ارسلان حکومت میکرد. روم شرقی نیز به آسیای صغیر و حتی سوریه و فلسطین متصرفات سلجوقی افزوده شد. در دوره بیست ساله حکومت ملک شاه اوج قدرت سیاسی دولت سلجوقی است ولی حتی توانست متصرفات قرائیان را مطیع سازند. در پایان حکومت او مرزهای امپراطوری از مدیترانه و دریای فرات و جبال قفقاز و سیاه و خلیج فارس به سوریه رسیده بود.

دولت سلجوقی و وزرای ایرانی:

سلاطین سلجوقی گرچه بر کشورهای متمدن آنروز حکومت میکردند. با این حال فاقد تجربه لازم بودند. از این نظر دستگاه اداری و مالی دولت خود را به کمک ماموران ایرانی که بر اثر سقوط دولت غزنوی بیکار شده بودند سروسامان میدادند درواقع مامورین عالی مقام ایرانی از نظر سیاست و اداره کشور و روحانیون از نظر مذهبی پایه های حکومت سلجوقی را مستحکم ساخت. باید توجه داشت که سلاطین سلجوقی به این سیاست مرکزیت طلبی کاملاً احتیاج داشتند زیرا اعیان نظامی ترکان پس از دریافت اراضی بزرگ بنام اقطاع تمایلات گریز از مرکز از خوزستان میدادند برای مقابله با چنین مسائلی سلاطین سلجوقی که ماموران عالی رتبه ایرانی که سیاست مرکزیت طلبی را مد نظر داشتند تکیه می کردند. مشهورترین این ماموران همانا نظام الملک است. و این الهام بخشنده سیاست خارجی الب ارسلان و ملک شاه و درعین حال سازمان دهنده دستگاه اداری و کشوری و مالی دولت بود. در این زمینه کتاب سیاست نامه نشان دهنده تفکرات و لی درباره اداره کشور است. در این کتاب نظام الملک از سیستم اداری و حکومتی نظام های گذشته ایران و حتی ساسانیان دفاع می کنند و در این کتاب سخت بر پراکندگی و خود سری حکام سلجوقی که تمایلات گریز از مرکز داشتند حمله می کند با این حال باید توجه کرد که این سیاست وی همواره با تمایلات خود سرانه رؤسای قبایل سلجوقی در تضاد بود و همین بود که در تضاد دائمی با حکومت به سر می بردند. نمایندگان برجسته بین فکر بعدها توانستند انظامات مورد

نظر خود را به حکومت‌های مستقل تبدیل کنند و حتی موجب برکناری خواجه نظام الملک از سیاست شدند.

علل انقراض دولت سلجوقی:

۱. آشنا نبودن سلجوقیان برای اداره کشور.
۲. سست بودن روابط اقتصادی.
۳. تشکیل نژادهای گوناگون در داخل امپراطوری موجب میشد که حتی در اوایل حکومت سلجوقی در برخی از نقاط ایران و حتی در آسیای صغیر چنین حکومت سلجوقی تشکیل شود جنگ خانگی و نبرد بین اعضای سلطنت برای بدست گرفتن قدرت از عوامل مؤثر سقوط است. نسبت به سال مبارزه قدرت بین برکیارخ و برادر وی و پس از آن سنجر و محمد پسران ملک شاه که عاقبت منجر به تقسیم قدرت شد. در واقع نواحی یکپارچه حکومت سلجوقی را به نواحی متعددی تقسیم کرد. خراسان نصیب سنجر شد و عراق سهم برادر دیگر او محمد باوجود این در قلمرو دو سلطان تمایلات گریز از مرکز وجود داشت و حتی در این زمان حکومت‌های مستقلی در نواحی ایران نیز وجود داشت. از علل دیگر میتوان به مبارزات دائمی دولت سنجر با ترکان قرختائیان اشاره کرد که در آسیای میانه ظاهر شده بودند. این چادرنشینان که اصلاً مغول بودند. در شمال چین و نواحی شرق ترکستان سکونت داشتند و دولت بزرگی تشکیل داده بودند و نبردی که بین آنها درگرفت سنجر

شکست خورد و همین امر اعتبار او را از این نظر که یک پادشاه مسلمان از کفار شکست خورده است. بسیار کم کرد و همین خوارزمیان هستند که بعدها توانستند به رهبری سنجر حکومت خود را مستقل اعلام نمایند و تشکیل سلسله بنمایند.

از علل دیگر میتوان به سیستم دستگاه اداری اشاره کرد که رسوم مالیاتی نواحی اساکن یافته را میخواست درمیان ترکان بیابان گرد معمول بدارد و این با روحیه گریز از مرکز رؤسای قبایل موافق نبود. همچنین رشوه خواری ماموران و ظلم و عدم یگانگی بین نیروهای سلجوقی موجبات اصلی سقوط آنها را فراهم کرد.

سلاطین سلجوقی و مذهب:

سلجوقیان نیز مانند غزنویان پایگاه ملی و اجتماعی نداشتند ناچار با حمایت خلیفه بنیان قدرت سیاسی خود را استحکام می بخشیدند. باید توجه داشت که مقارن ظهور سلجوقیان دستگاه خلافت نیز کاملاً از هم پاشیده بود و حتی پیشرفت قوای فاطمیان مصر به سوی بغداد و سقوط خلافت عباسی کاملاً ظاهر شده بود. بنابراین زمانیکه امرای نخستین سلجوقی مانند طغرل به حمایت از خلیفه و بیرون راندن قوای فاطمیون از بغداد اقدام کردند. در واقع انقراض حتما خلفای عباسی را به تعویق انداختند. رفتار طغرل با خلیفه براساس نوشته های موجود کاملاً محترمانه بود. حتی بعدها نیز این احترامات کاملاً رعایت میشد و باینکه امپراطوری بزرگ سلجوقی تاسیس شده بود. اما خلفای بغداد نیز احترام خاص خود را نیز داشتند. از طرف دیگر برخارج از مرزهای

امپراطوری جنگهای یهودیان با مسلمانان موجب آن میشد که آلب ارسلان با آل بویه و دیالمه این قدرت ضعیف شده بود ولی در این دوران قدرت خلفا بسیار زیاد گردید. زیرا بسیاری مسلمین اعتقاد داشتند که ممالک اسلامی مالک واقعی جانشین پیامبر یعنی خلفاست. بنابراین حکم امیر المؤمنین بایستی برای تصاحب نواحی حتما صادر شود. همین مسئله باعث شده بود که دربار خلفاء عده ای کاتب حضور داشتند که با اثنائی بلیغ فرامین خلیفه را می نوشتند. علت اصلی حمایت ترکان از خلفاء این بودند که در میان مردم حامی نداشتند و در گرفتن مالیات رخت گیری می کردند و در چنین اوضاع و احوالی تنها فقط اتکا سلجوقیان بغداد بود و آنان دو سلاح شمشیر و دین برای تثبیت قدرت فرمانروائی خویش بکار می بردند. چنین تشکیلاتی می خواست خود را با اصول اساسی ایدئولوژی اسلامی سازگار سازد و اهداف ذیل را به اجرا گذارد:

۱. تائید و تحکیم سلطه دنیائی و مذهبی سلطان سلجوقی.

۲. تجدید.

تشکیلات سیاسی و حکومتی عهد سلجوقیان:

در ساخت حکومتی سلجوقیان نقاط ضعفی که مشاهده می شود: عدم تمرکز بود که در مفهوم رهبری ترکان نهفته بود این سیستم با ناسازگار پهای حکام و رؤسای قبایل همیشه برخی از برای نابسامانیها بوده است. بنابراین سیستم فکری سیاسی سلجوقی با توجه به نظریات وزرای ایرانی همچون خواجه نظام الملک بر این مبنا قرار گرفت که

یک وحدت حکومتی را به اجرا بگذارد. و این زندگی اسکان یافتند و در جهان آنروز بسیار مدنظر بود. سلاطین سلجوقی با حمله قدرت بالا برای سلطان و تشکیلاتی با همین زمینه تفکری سعی میکردند که شرایط رشد و توسعه امپراطوری خود را بسیار آسان سازند. به همین واسطه نیز معمولاً سلسله انتخاب و لیعهد خواجه با کشمکش ها و اختلافات میان درباریان و رؤسای قبایل می گردید. البته آل بویه زمینه های چنین وحدتی را پی ریزی کرده بودند و بعد از آنان حکومت غزنویان سلجوقیان و حتی خوارزمشاهیان به تناسب قدرت و موقعیت خود این طرز تفکر را اشاعه میدادند. از طرف دیگر گرایش بطرف عدم تمرکز دین و رؤسای قبایل بسیار معمول بود. خواجه نظام الملک کوشید که این عدم تمرکز را متوقف سازد. با این وجود این بسیاری از رؤسای قبایل و شاهزادگان سلجوقی بوسیله اقطاع که یک نوع واگذاری اراضی وسیع به آنان بود ساکت میشدند. برخی از سلاطین سلجوقی سعی کردند که فساد سیستم اقطاع را از بین ببرند. آنان از طریق ازدواج، نگهداری، گروگانها در دربار و ارتباط با افراد معتقدند محلی سعی داشتند نواحی مختلفی را که بطور غیرمستقیم اداره میشد در رابطه ای نزدیک با حکومت مرکزی قرار دهند. با توجه به مفهوم ترکان از حکومت پراکنده و نیز ماهیت نظامی دوست و با توجه به وسعت امپراطوری و بی تجربگی آنان جای تعجب نیست که هیچگاه وحدت سیاسی و اداری جز در دوره ای محدود هرگز حاصل نشد. علایق به گرایش عدم تمرکز از ویژگیهای دیگر نیز حکایت می کرد که عبارت بودند از تقسیم سلطه قدرت و همچنین حفظ موقعیت و عدم پرداخت مالیات.

تشکیلات نظامی:

گفته شد که حکومت سلجوقی بر پایه دوگانگی بود نه بر پایه وحدت، بنابراین می بایستی برتری تشکیلات نظامی را از هر لحاظ مسجل ساخت تا بتوان قدرت سیاسی و حاکمیت را اعمال کرد و سیستم نظامی سلجوقیان مرکب بود از دو عنصر غلامان ترکان نژاد و ترکمنستان که براساس الگوی سامانی و غزنوی پی ریزی شده بود و تشکیلات کشوری گرچه نمایندگان ایران در آن حضور داشتند اما سعی میکرد در راس نهاد سیاسی سلطان گاردی ویژه بوجود آمده و همچنین یک ارتش ثابت تشکیل شد که افراد آن از طریق سلسله مراتب به آگاهیهای رزمی انتخاب میشدند. علاوه بر اینها باید اشاره کرد که در ایالتی یک فرمانده نظامی از جانب ترکان فرستاده میشد و اینان با پیک ها و اتابکها را سلجوقی برخی از شاهزادگان خردسال که حکومت نواحی را بدست می آمدند همراه آنان فردی بنام اتابک که آشنا به امور بود فرستاده میشد. همین اتابکها هستند که با توجه روحیه سلجوقیان و رؤسای قبایل که استقلال را مدنظر داشتند موفق به تشکیل حکومتهای شده اند و حتی در فروپاشی دولت ها نیز نقش مهم داشتند.

تشکیلات سیاسی:

تشکیلات کشوری سلجوقیان مورد استفاده تمام رژیمهای بعدی بود. اما این سیستم هم در حال تکوین و تکمیل و هم در حال تغییر بود خواجه نظام الملک دیوان سالاری ملاحظه را از جمله مسائلی می دانست که باید به آن توجه کرد او سعی کرد که دیوانهای مختلفی برای اداره کشور درست کند. البته باید تذکر داد که از دوران سامانیان دیوانهای متعدد تشکیل شده بود و رؤسای این دیوانها که وزیر مهمترین شخصیت آن بود. از طرف شاه انتخاب میشد یکی از مهمترین این دیوانها، دیوان استیفا یا دیوان امور مالی بود که مسائل مالیاتی را در تمامی کشور بدست داشت و بر اساس آن خرج و دخل مملکت تعیین میشد. نظام الملک می نویسد که پادشاهان را ۲ خزانه باشد یک خزانه خرج و یک خزانه دخل (که باید مالیاتها را به آن واریز کرد) این دیوان که قدرت زیادی داشت میتواند سیستم تمرکز قدرت را نیز به خوبی به اجرا بگذارد.

دیوان دیگر، دیوان دیوان انشاء یا طغری بود که یکی از نهادهای ساخته و پرداخته سلجوقیان بود و مهر سلجوقیان که تیر و کمان باشد بر بالدی طغری های نقش بسته بود. دیوان طغری برای فرامین بود و همیشه یک نفر با خط خوش در آن حضور داشت تا فرامین و مکاتبات رسمی حکومت را بنویسد از دیوانهای دیگر دیوان اشراف بود که طبق نوشته نظام الملک به کار دیوانهای دیگر رسیده میکرد و در واقع اگر چه دستگاه جاسوسی نبود. اما سرکشی به وضع عمومی کشور را به عهده داشت.

تشکیلات ایالتی:

حکومت سلجوقی سعی داشت که نماینده دیوان کشوری و مرکزی در ایالت حفظ تکامل قدرت را بنمایند. در ایالت شخصی بنام عمید یا عامل مامور جمع آوری مالیات و خراج از حکام بود. علاوه بر این عامل یک فرمانده نظامی این هر دو وظیفه را به یک نفر محول میکردند. با اینحال همیشه سعی بر این بود که این سیستم قدرت همچنان حفظ شود. گاهی مشاهده میشد که حاکم نظامی قدرت بیشتری دارد. باید توجه کرد که تاسیس نهادی بنام اتابکی که گفته شد بعدها به تشکیل حکومت‌های نیز دست زدند راه را برای نظامی گری امپراطوری همواره می ساخت. باید توجه کرد که تمام دیوان‌های حکومت مرکزی در شکل کوچکتر در ایالت وجود داشت.

علماء مذهبی و نقش آنان در حکومت سلجوقی:

حکام سلجوقی سعی داشتند حکومت مرکزی را بانهاد مذهبی پیوند دهند و حمایت طبقات مذهبی را با شرکت دادن آنها در اجرای امور کشور جلب کنند غزالی که خود یک نظریه پرداز آگاه می باشد. توجه داشت که نظریه اسلامی دولت سلجوقی از این جهت که قدرت اجرائی در دست سلطان قرار دارد در واقع از طریق سازش با خلیفه بدست می آید و سلطان نیز با قدرت اجرائی نمود خود مرجعیت خلافت را به رسمیت می شناسد. به هر حال پیداست که برای شریعت در این زمانه و پاموازنه بین این دو قدرت کاملاً مورد نظر بوده است. علماء نیز در این زمان موقعیت خاص داشتند که

هم تفاوت و هم مسائل شرعی را به عهده می گرفتند. دخالت موجب دگرگونی‌هایی شده اند گاهی برخی از این تصادف بی نظمی تشکیلات دیوانی را مرتب کرده سعی داشتند. اشاعه قدرت خود را بیشتر کنند.

رابطه بین سلطان و خلیفه:

چنانکه گفته شد غزالی به عنوان یک نظریه پرداز سلمان در خصوص وجود خلیفه و نهاد خلافت نظریه خاصی داشت که نشان دهنده حاکمیت خلیفه می باشد. این اصلی بود که در تمام دوران حکومت غزنویان و سلجوقیان رعایت میشد و سلاطین سعی میکردند نظر مساعد خلیفه را نسبت به فتوحات خود جلب کنند. در زمان سلجوقیان گرچه نهاد سلطنت و نهضت در نهاد جدا بود با این حال خلیفه در مقابل فعالیت های مذهبی و سلطان د رمورد مسائل حکومتی و ظایف خاصی به عهده داشتند ولی در این زمان ترکان همکاری نزدیکی با خلیفه به هم زده بودند. از طرف دیگر خلفا که قدرت تشیع را می دیدند بقدرت نظامی ترکان احتیاج داشتند و از طرف دیگر سلجوقیان نیز بصورت فاتحانی که با مردم بیگانه بودند حمایت خلیفه را تحکم قدرت خود میدانستند بطور کلی در زمان سلجوقیان بر اعتبار نهاد خلافت افزوده باشد و چون سلاطین سلجوقی احترام خلفاء را داشتند. در انتخاب آنها نیز نفوذی بکار نمی بردند. همچنین در این زمان خلفاء اجازه یافتند خود وزیر انتخاب کنند از همین طریق است که نظام وزیر به عنوان یک مقام ارسلان شناخته شد. موازنه قدرت بین سلطان و خلیفه در زمان نظام

الملك و آلب ارسلان بیشتر به جهت سیاست سازشکارانه وزیر بوده است. با وجود این از طریق ازدواج نیز تحکم قدرت هر دوطرف به عمل می آمد. نمونه های مذکور نشان میدهد که خلیفه در عهد سلجوقیان حقوق ویژه ای کسب کرده بودند و نام خلفاء در خطبه خوانده میشد. رفتار متواضعانه ملک شاه و دیگر امرای سلجوقی نشان دهنده قدرت آنها است حتی در واپسین ایام سلجوقیان به خاطر نزاع خانوادگی میان سلجوقیان خلفاء به تحکیم قدرت و گسترش نیروی نظامی پرداختند.

نتایج ضعف تشکیلاتی سلجوقیان: (علل سقوط)

از بررسی آنچه گفته شده در مورد نهاد سیاست صحبت شد. آشکارترین امر مربوط است به عدم تمرکز گرچه وزیر نظام الملك شیوه های تمرکز گرائی را بسیار در نظر داشت. اشرافیت سلجوقی نیز با توجه ساخت تشکیلاتی خود عدم تمرکز در نظر داشتند. همچنین در اواخر حکومت سلجوقی اختلافات داخلی موازنه قدرت است. کسی که با نظر تحقیق به این تشکیلات حکومتی می نگرد. با توجه به فروپاشی نهائی این حکومت مسائلی از قبیل:

۱. عدم تمرکز.
۲. حکومت پراکنده وعدم ثبات در ساختار حکومت را از علل بزرگ ضعف تشکیلاتی میدانند که نتایج آن فروپاشی چنین حکومتی است.

۱. چگونگی بقدرت رسیدن ترکان (عوامیکه موجب استحکام غزنویان شده):
 - الف. اختلاف برسر جانشینی در میان امرای سامانی و استفاده سیاسی از موقعیت بدست آمده توسط آلپتکین.
 - ب. تصرف برخی از مناطق سامانیان و خروج از قلمرو سامانیان و عزیمت به غزنه توسط آلپتکین و ایجاد دولتی مستقل.
 - ت. از بین رفتن طبقه کشاورز در دولت سامانی و ظهور ترکان از طریق نظام غلامان دربار.
 - ث. گرویدن آنها به اسلام و حمایت آنها از خلفای عباسی.
 - ج. کوچ بزرگ ترکان بسوی نواحی متصرفه سامانی.
 - ح. وضعیت سیاسی نابسامان سامانیان و بالطبع به هم ریختگی وحدت حکومتی و بدنبال آن جنگ های بیرحمانه.
 - خ. گردهمایی بزرگ ترکانی که در خدمت خلفاء و امرای ایرانی بودند (اداری ونظامی).
 - د. دلیری و مهارت در سواری ترکان و توجه خلفاء و حکام به این گروه.

د. اتحاد آلپتکین با وزیر بلعمی (کودتای وزیر و حاکم نظامی)

ر. ایجاد رابطه خویشاوندی ترکان با حکام محلی بخصوص با مردم.

ز. زابلستان بواسطه دلیری آنها و زادگاه پهلوانان ایرانی.

۲- حکومت محمود و ایجاد امپراطوری غزنوی:

الف. مرگ سیبکتکین و اختلاف بین اسماعیل و محمود، محمود راضی به مصالحه بود

ولی بعدها اسماعیل مجبور به کناره گیری از قدرت شد.

ب. مناسبات حسنه با قوم قراختائیان از سوی محمود.

ت. مشروعیت قدرت سیاسی محمود از سوی خلیفه.

ث. حمایت از مذهب مورد علاقه خلیفه (تسنن) از سوی محمود.

ج. معروفیت محمود به عنوان سلطان غازی (جنگ برای اسلام)

ح. پیروزیهای محمود در جنگ با کفار هند برای دنیای اسلام و بخصوص بغداد

(اهل تسنن) بسیار افتخار آمیز بود زیرا اهل سنت مشکل ایجاد کرده بودند.

خ. شناسائی حاکمیت محمود از سوی خلیفه پس از تصرف هند بخصوص که

خلیفه هیچ قدرتی نداشت و این پیروزی منزلتی برای خلیفه داشت.

د. تصرف خراسان اهمیت کار محمود را بالا برد زیرا خراسان در زمینه ثروت،

تجارت، فرهنگ (ادب فارسی و علوم الهی)، مذهب و جاده های تجارتي، اهمیت

فراوان داشت و دارای سیستم آبیاری منظم و همچنین سدی در مقابل تهدید است. تیره های دیگر نظیر قراختائیان بود.

د. تصرف سیستان و خوارزم درزمینه (سیستم آبیاری منظم، موقعیت سوق

الجیشی، تجارت، حاصل خیزی، اهمیت فراوان داشت) بر اعتبار محمود افزود.

ر.غلبه بر تمام امرای آسیای میانه، طبرستان، گرگان و بازماندگان و شمگیر، تمامی

این پیروزیها در دنیای اسلام آنروز محمود را یک قهرمان ساخت.

ز. اعطای القابی از سوی خلیفه به محمود غزنوی.

س. متصرف هند توسط محمود باعث رونق اقتصادی، تجارت کالا و برده، ساخت

بناهای باشکوه، کاخ و بازارهای فراوان شد.

۳- دستاوردهای حکومت محمود؟

الف. اعتقاد به سلطنت مطلقه در حالیکه این چنین شرایطی برای آل بویه و

سامانیان بوجود نیامد. (به لحاظ وجود طبقات اشراف و زمیندار و رقابتهای

خانوادگی).

ب. استفاده از سیاست اداری سامانیان توسط غزنویان و استفاده از وزراء ایرانی

البته استغلال عمل این وزراء بشدت سرکوب می شد بطوریکه اغلب وزراء

غزنوی کشته شدند .

ت. افزایش روز به روز وسعت امپراطوری و بوجود آمدن دیوان (عرض رسالت و کالت وزیر اشراف)

ث. رعایت دقیق میان طبقات حاکم و رعیت: سلطان درراس، افراد لشکری و

کشوری، توده مردم (ایشان وظیفه داشتند از شاه اطاعت نمایند و مالیات بپردازند و در عوض شاه امنیت آنها را برقرار سازد.

ه. طرفداری غزنوی از اهل سنت (مذهب خلیفه) و تعقیب و آزار اسماعیلیان تا بتوانند تائیدی شرعی و قانونی از بغداد بگیرند.

ز. استفاده از شیوه سنتی ایرانی که دربار که همراه با هزینه های گزاف بود.

۴ - اثرات روحیه نظامی گری محمود در اوضاع اجتماعی، اقتصادی؟

الف. روحیه نظامی گری موجب لشکر کشیهای متعدد به هند و نقاط دیگر شد که بی تردید این جنگها عایدات سرشار و غارتگری و قتل را به همراه داشت.

ب. قبل از هر جنگی از مردم مالیاتهای سنگین اخذ میشد بطوریکه گاهی مردم دیگر

برای امرار معاش تقریباً چیزی نداشتند این روش جابرانه باعث سقوط اقتصاد کشور شد. حتی اسفرائینی وزیر برای این از کار کنار گرفت.

ت. اوضاع نابسامان و هرج و مرج و ناپایداری اوضاع و غارتگری دولت تامین اجتماعی

و آسایش را خلع کرده بود و این امر باعث ناامیدی نیروهای تولیدی (زارع و کشاورز) شد.

ث. تحمیلات گوناگون بر مردم موجب شورشهای متعددی شد.

ج. از بین رفتن تجارت و صنعت.

ح. سرخوردگی مردم از قدرت و زمینه مساعد برای شکست غزنویان (با تصرف

خراسان و حمله غزها و سلجوقیان).

۵ - ارزیابی اهمیت تاریخی غزنویان؟

الف. غزنویان بعنوان مهاجمان ترک جذب تمدن ایرانی شدند و رواج شعر و ادب

فارسی در این دوران را مدیون تمدن زمان سامانیان هستند.

ب. سلاطین غزنوی به لحاظ روحیه گری و پاسداری از مشرق رادربابر مهاجمان

آسیای میانه به عهده داشتند.

ت. چنین سپاهی موجب پیشرفت اسلام در هند و استثمار مردم شبه قاره شد.

ث. غزنویان نشانه اوج تدریجی دوران ترکان در شرق عالم اسلامی است و پیروزی.

ج. بر قدرتهای ایرانی (طبق نظر نظام الملک).

ح. اهمیت غزنویان به عنوان آغاز گر پیشرفت حکومت اسلامی در شمال هند.

۶ - اوضاع اقتصادی، اجتماعی و زندگی مردم در دوره غزنوی؟

الف. سپاه غازی غزنوی تحت عنوان جهاد به قلع و قمع مردم سرزمینهای کشوری

متصرف می پرداختند.

ب. سپاه غازی غزنوی باتفکر اشاعه اسلام احتیاج به پول داشت و مجتبی مورخ می نویسد. «مردم همچون گوسفند پوست کننده میشدند.» وحتی وزیر محمود بنام اسفرائینی بعدها با وصول مالیاتها مخالفت کرد.

ت. ظلم بی حد باعث شد مردم از فرط گرسنگی سگ و گرگها را بخورند و چون ظلم از حد بگذشت. محمود دستور متوقف کردن مالیات را صادر کرد.

ث. داستان بیهقی و نگهداری باغ بی ثمر محمود و گله و شکایت مردم از این کار و سؤال محمود و باغ شکان که گفت: چون مردم ناراضی هستند از این جهت شادی و سرور به دل سلطان راه نمی یابد.

۷ - اسماعیلیه از نظرگاه عقیدتی؟

الف. این فرقه بانامهای اسماعیلی، اهل تائید، اهل تاویل، ملاحده، قرمطیه، حشیشیه وباطنی معروف است.

ب. نظرگاه آنها اسماعیل پسر امام صادق (ع) امام هفتم است. کما که وی قبل از

وفات امام صادق فوت کرد و معتقدند براء محال است.(دین امام موسی کاظم

نمیتواند امام باشد.) و گروهی از آنها معتقدند پس از مرگ اسماعیل جانشینی به

پسر وی یعنی محمد بن اسماعیل رسید یعنی امامت به قائمیت ارتقاء پیدا کرده

است.

ت. نظر مارکوپولو در سفرنامه خویش درباره آنها و استفاده از کلمه اساسن که رشید کلمه حشاشین می باشد. ولی سیلوتر دوساس معتقد است دادن چنین صفتی مربوط به نحوه عمل آنهاست نه سلوک آنها.

ث. اولین بحران در اسلام پس از مرگ پیامبر رخ داد (شیعه)، واقعه عاشورا حادثه دیگری بود که برزندگی سپاهی و مذهبی شیعه اثر گذاشت و پس از آن قیام مختار که دعوت به امامت محمد بن حنیفه میکرد.

ج. در نهضت های مذهبی این دوران دو شخصیت وجود داشت: امام، داعی که پیام امام راتعبیر میکرد. این نهضت های مذهبی افراطی از نظر سیاسی به برانداختن نظام موجود و بقدرت رساندن امام بسیار تاکید داشتند.

ح. - در نیمه دوم قرن دوم هجری فعالیت شیعیان افراطی بسیار زیاد بود و در سال ۱۴۸ هجری قیام اسماعیلیه رخ داد و یک نظام مذهبی و فلسفی در سطح عالی بوجود آمد و ادبیات آنها هنوز تازگی دارد.

خ. آنها مانند اهل تسنن وهمه مسلمانان به قرآن و قوانین اسلام احترام می گذاشتند ولی توجیهات فلسفی آنها از نوافلاطونی بنیاد گرفته بود .

د. امام در این نهضت رئیس، پیشوا و وارث پیامبر، مرکز عقیده و تشکیلات وفاداری بوده و آفرینش جهان در نتیجه تاثیر عقل کل پرنفس کل می دانند.

ذ. معتقدند هر دوره امامی خواهد آمد (امام ناطق) و امام صامت مستور خواهد بود. بطور کلی این امامان باید از اولاد علی یا زریه اسماعیل باشند و همین امام امت

که سرچشمه علم و قدرت بوده و تعالیم قرآن را نه بر معنی ظاهری بلکه معنی باطنی خواهد کرد.

ر. از مقابله دین اسلام با فلسفه و علم یونانی اسماعیلیه طرح جدیدی پی افکند و پیروز شد.

ز. یکی از شاخه های اسماعیلی بنام قرسطی توانست در یمن و عربستان شرقی قدرت را بدست گیرد. و مهدی در شمال آفریقا امپراطوری بزرگی را به نام فاطمیان (چون خود را از اولاد فاطمه (ع) می دانستند) پی ریزی کرد و جامعه الزهرا را بنیان کرد و نمایندگان به ایران و آسیای مرکزی فرستاد. مثال ناصر خسرو قبادیانی.

س. مجادله های مذهبی فاطمیون منجر به دوفرقه مستعلویه و نزاریه گردید و این امر باعث ضعف خلفای فاطمی مصر گردید و در نهایت صلاح الدین ایوبی توانست مصر را فتح کند. بنابراین کیش اسماعیلی نیاز به یک دعوت جدید داشت. زیرا دعوت قدیم شکست خورده بود و دعوت جدید را یک نابغه انقلابی بنام حسن صباح پایه ریزی کرد.

۸ - دعوت جدید اسماعیلیه را توضیح دهید؟

الف. رهبر این دعوت حسن صباح شیعه اثنی عشری در قم به دنیا آمد و برخی او را از اعقاب شاهان حمیری می دانند در ری تبلیغات اسماعیلی را آموخت و با اجازه

ای که عبد الملک بن عطاش از خلیفه فاطمی مصر گرفت حسن مصباح به مصر سفر کرد. در مدت ۳ سال در آنجا تعلیمات اسماعیلی را آموخت و به ایران با زگشت.

ب. ولی به عنوان یک رهبر سیاست تصرف قلاع و تبلیغ بیشتر را دنبال کرد و مکانهایی را نظیر گیلان، مازندران، دیلم، رودبار، الموت، قزوین توجه او را به خود جلب کرد. (به لحاظ موقعیت آنها).

ت. دعوت او به داشتن پیروان بیشتر و تسخیر قلاع و بالاخره الموت تسخیر شد. او ۳۰ سال در قلعه اقامت کرد و ۲۰ سال آنرا به جز دوبار از خانه بیرون نیامد و به

نوشتن کتب ارشادی پرداخت. همچنین مبلغانی به نقاط ایران فرستاد. مانند قلعه لمسر فتح شد. قهستان بوسیله حسن قائی فتح شد و لمسر بوسیله بزرگ امید در طبس، ساوه و شاه دژ اصفهان قلاع فتح شد.

ث. سلجوقیان برای نابودی اسماعیلیان دو لشکر به قهستان فرستادند و بی نتیجه پایان یافت و درهمین ایام با ترور خواجه نظام الملک بزرگترین پیروزی سیاسی

نصیب اسماعیلیان گردید. اسامی بسیار از حکمرانان، وزیران، سرداران سپاه - فقیهان و خلفای فاطمی و عباسی از قلعه الموت بدست آمد که در لیست افراد ترور شده بودند (اجرای یک طرح رعب و وحشت).

ج. اطاعت بی چون و چرا از حسن صباح و وجود یک سلسله مراتب مستجیب ، دانی عاکی ، داعی ، معلم ، موذن ، حجت ، امام و اعضاء فرقه را رفیق می گفتند.

ح. اعلام استقلال از سوی صباح پس از دوشاخه شدن خلفای فاطمی مصر و همچنین فوت ملک شاه و تقسیم قدرت میان برکیاروق و محمد این اجازه را به آنها داد تا تبلیغات خویش را گسترده تر کنند.

خ. لشکر کشی سلجوقیان بفتح قلع که در این رابطه توانستند مقداری از قلاع را تسخیر و ویران نماید که به تلافی این کار احمد پسر خواجه ترور شد.

د. مرگ رهبر سیاسی و مذهبی حسن صباح و جانشینی بزرگ امید (وی از رودبار بود) ولی صلحی نه چندان پایدار با سلجوقیان نمود. پس از وی محمد رهبر فرقه گردید. پس از وی جلال الدین حسن به رهبری رسید. ولی خود را آماده صلح با عباسیان و خوارزمشاهیان کرد. به همین علت به حسن نو سلمان ملقب شد. آخرین امام رکن الدین خروش بود. ولی با صلح ومدارا قلاع را تسلیم

کرد و بطور کلی در همه این دورانها سیاست ترور و رعب و وحشت وجود داشت. قلاع در یک سال خراب نشد بلکه در طول چندین نبرد بی امان ویران شد و شکست آنها به منزله نابودی کامل آنها نشد و هنوز در ایران و دیگر نقاط دنیا پیروانی دارد.

۹- تحکیم سیاسی قدرت سلجوقی؟

الف. طبیعت و احتیاج قبیله به یک وحدت سیاسی موجب یک حکومت شد این قبیله در کار سپاهی گری و داشتن گله های فراوان مشهور بودند و خصلت جنگجویی داشتند. نام اصلی طایفه آنها آغوز که بعد تبدیل به غزگرایه بود.

ب. سلجوقی به عنوان یکی از پایه گزاران دین دولت و پس از او دو فرزند میکائیل بنامهای چغلی بیک و طغرل که نوه سلجوقی مصوب میشدند توانستند خراسان و تا حدودی بخارا را تصرف کنند.

ت. جنگ طغرل با مسعود غزنوی و پیروزی بر او جلوس بر تخت در نیشابور و شکست

نهایی مسعود در دندانقان - مرگ چغلی بیک و ادامه کار برادر توانستند طغرل جنگ بساسیری سردار خلفای فاطمی و پیروزی در این جنگ و کسب قدرت سیاسی به همین خاطر از سوی خلفای عباسی القاب و تائید مذهبی گرفت.

ث. روی کار آمدن اب ارسلان پسر چغلی بیک و تصرف سرزمینهای دیگر و جنگ با امپراطوری روم شرقی و پیروزی بر آن و تحکیم بیشتر قدرت و انتخاب اصفهان به

عنوان مرکز بطوریکه برای این پیروزی از سوی خلیفه لقب عنصر الدین گرفت.

ج. پس از آلب ارسلان ملک شاه با درایت خواجه توانست عظمت سلجوقیان را بیشتر نماید و حتی سلاجقه شام در این زمان نشان از بسط قدرت سلجوقی است.

ح. مرگ ملک شاه به سال ۴۸۵ هجری و آغاز اضمحلال سلجوقی به دلایل اختلاف برسر جانشین ، اختلافات داخلی ، چگونگی بقدرت رسیدن منجر ، ظهور قدرت

بزرگی بنام قرافتائیان ، نارضایتی عمومی ، وجود اسماعیلیان به عنوان یک مخالف اصلی ، تمایلات گریز از مرکز (روحیه چادر نشینی ، وجود گله های زیاد ، عدم تمایل به اسکان) ، سستی ارتش ، نبودن شخصی خردمند مانند خواجه ، مخالفت قبایل ورؤسای ترک آن با خواجه ، تمایل به استقلال داشتن ، رسوم مالیاتی با روحیه رؤسای قبایل موافق نبود ، رشوه خواری مامورین.

۱۰ - پایه های حکومت سلجوقی ؟

- الف . مسئله ارتش به لحاظ روحیه جنگجوئی و جنگاوری آنها.
- ب . ایجاد تشکیلات اداری و نظامی قوی از سوی ترکان سلجوقی نظیر اقدام غزنویان.
- ت . توجه به ایدئولوژی اسلامی وهمگام شدن با عقیده مردم ایران.
- ث . گرفتن تائید سیاسی ومذهبی سلطان سلجوقی از خلیفه.
- ج . پیوند دین و دولت یا (سیاست) بطوریه به قول غزالی بین سه عنصر اصلی یعنی خلیفه ، سلطان و علماء وحدت ایجاد شد.
- ح . اجرای سیاست تمرکز بخصوص از سوی خواجه برای مقابله با جاه طلبی های روبه توسعه امراء و حکام و اشراف سلجوقی و تمایلات گریز از مرکز آنها.
- خ . تحکیم پایه های سیاسی قدرت سلجوقی توسط ماموران عالی رتبه و پایه های مذهبی توسط روحانیون ایرانی صورت گرفت.

۱۱- سلجوقیان و مذهب؟

الف - سلجوقیان مانند غزنویان پایگاه ملی و اجتماعی نداشتند بنابراین حمایت

خلیفه قدرت سیاسی آنها را استحکام می بخشید.

ب. طبق روایت تاریخ رفتار طغرل با خلیفه بسیار احترام آمیز بود و به لحاظ وجود

این تفکر که تمام ممالک اسلامی، ملک واقعی جانشین پیامبر(خلق) است.

بنابراین حکم امیر المومنین بایستی برای تصاحب نواحی حتما صادر شود.

ت. علت اصلی حمایت ترکان سلجوقی از خلیفه نداشتن حامی و گرفتن مالیات و

سخت گیری در این رابطه.

ث. سلجوقیان از دو سلاح شمشیر و دین برای استحکام قدرت خویش.

ج. اهداف آنها از تشکیلات سیاسی.